



MHJ

مجله تاریخ پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و ششم، سال ۱۴۰۰

<https://doi.org/10.22037/mhj.v13i46.34598>

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/mh>



مقاله پژوهشی

تاریخچه شیوه‌های سنتی درمان با تأکید بر نقش «اقلیم جغرافیایی» در روستای آبکنار استان گیلان

سامرا سلیم‌پور آبکنار^{۱*}، محمد سلیم‌پور آبکنار^۲

۱. استادیار، گروه پژوهشی هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شکل‌گیری بیماری‌های انسانی با شرایط آب و هوایی، نوع تغذیه و پوشش‌های گیاهی - حیوانی هر منطقه ارتباط مستقیمی دارد. طب سنتی از گذشته تا به امروز، برای درمان بیماری‌های رایج هر منطقه اغلب به سراغ دستاوردهای اقلیم جغرافیایی همان ناحیه می‌رود. هدف از این پژوهش، مروری بر تاریخچه شیوه‌های سنتی درمان با تکیه بر دستاوردهای اقلیم جغرافیایی مردم محلی روستای آبکنار استان گیلان است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش در سال ۱۳۹۹ با مطالعات کتابخانه‌ای، دست نوشته‌ها و مستندات محلی، مشاهده مستقیم نحوه کاربرد و چگونگی تأثیر درمان برخی شیوه‌ها، مصاحبه حضوری و تلفنی با: (۱) درمانگران محلی و (۲) افراد مسن (اعم از زن و مرد) انجام گرفته است. مطالب و یافته‌ها در قالب توصیفی - تحلیلی به بحث گذاشته شده‌اند.

یافته‌ها: به نظر می‌رسد که «اقلیم جغرافیایی روستای آبکنار» نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شیوه‌های سنتی درمان (اقلیم درمانی) از گذشته‌های دور تا به امروز داشته است. مجاورت با دریای مازندران و تالاب بندرانزلی، برخورداری از رویش عنصر «برنج»، پوشش‌های گیاهی منحصربه‌فرد منطقه و حضور برخی از گونه‌های خاص پرندگان به افزایش کیفیت و تنوع شیوه‌های سنتی درمان در روستای آبکنار کمک قابل توجهی نموده است. **ملاحظات اخلاقی:** صداقت و امانت‌داری در تحلیل، گزارش و انتشار مطالب رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: در گذشته، به دلیل عدم پیشرفت علم پزشکی و ناآگاهی از منشا بیماری‌ها، برای ساکنین روستای آبکنار چاره‌ای جز دست به دامن طبیعت شدن به جهت یافتن راهی برای درمان بیماری‌ها باقی نمانده بود. از این رو، تجربیات ارزشمندی در زمینه درمان سنتی از گذشتگان به ساکنین روستای آبکنار به ارث رسیده است، تا جایی که مردمان این روستا در کنار داروهای شیمیایی از شیوه‌های درمان سنتی مبتنی بر اقلیم جغرافیایی خود برای بهبود بیماری‌های رایج در منطقه استفاده می‌کنند.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

واژگان کلیدی:

درمان سنتی

اقلیم جغرافیایی

دریای مازندران

تالاب بندرانزلی

روستای آبکنار

*نویسنده مسئول: سامرا سلیم‌پور

آبکنار

آدرس پستی: ایران، تهران،

پژوهشگاه میراث فرهنگی و

گردشگری، گروه پژوهشی هنرهای

سنتی.

پست الکترونیک:

s.salimpour@richt.ir

۱. مقدمه

۱-۱. نقش اقلیم جغرافیایی بر جغرافیای پزشکی و

درمان اقلیمی

«اقلیم» مجموعه‌ای از مشخصه‌های آب و هوایی (نظیر: دما، رطوبت، فشار، باد و میزان بارش) یک منطقه جغرافیایی است که در مدت زمان نسبتاً طولانی به آن نسبت داده می‌شود. بر این اساس، انسان، پوشش‌های گیاهی و جانوری هر منطقه در سطح وسیعی تحت تأثیر شرایط اقلیمی همان منطقه خواهند بود. از سویی دیگر، بسیاری از نیازمندی‌های انسانی از قبیل غذا، انرژی، محیط زیست، بهداشت جسمی و روانی... نیز تحت کنترل اقلیم جغرافیایی هستند (۱). بنابراین، شناخت و مطالعه اقلیم جغرافیایی هر منطقه از اولین ضروریات انتخاب زیستگاه مناسب برای هر انسانی محسوب می‌شود چرا که آب و هوای مناسب تأثیر بسزایی بر سلامت جسم و روح انسان و دوری از ابتلا به انواع بیماری‌ها دارد. انتخاب اقلیم جغرافیایی مناسب برای زیستگاه انسان از زمان‌های قدیم مورد توجه دانشمندان نیز بوده است تا جایی که بقراط در رساله خود توجه هر طبیعی را به نقش شرایط اقلیمی هر منطقه بر ابتلا جسم و روح انسان به انواع بیماری‌ها در کنار عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی آن منطقه معطوف داشته است. از این رو، نقش علم «جغرافیای پزشکی» که به شناسایی عوامل طبیعی و اقلیمی موثر بر بروز بیماری‌ها و درمانشان با استفاده از عناصر محیطی می‌پردازد، برجسته‌تر می‌شود (۲). از این علم کهن تحت عنوان «اقلیم درمانی یا درمان اقلیمی» در طب بقراطی یاد شده است که علاوه بر شناسایی عوامل موثر اقلیم جغرافیایی بر انواع بیماری‌های جسمی و روحی انسان، تأکید فراوانی به بهره‌جستن از همان اقلیم جهت درمان و برطرف نمودن بیماری‌ها نیز دارد (۳). از سویی دیگر، در کتاب قانون ابن‌سینا نیز بطور مفصل درباره انتشار جغرافیایی انواع بیماری‌های مسری و غیرمسری، تأثیر شرایط اقلیمی بر سلامت انسان، شیوع و بروز بیماری‌ها توضیح داده شده و نهایتاً شیوه‌های درمان با استفاده از همان اقلیم جغرافیایی برای اکثر بیماری‌ها معرفی شده است (۴). علاوه بر این،

پیروان مکتب ارسطو هم بر این باور بودند که انسان و محیط زیست دو عنصر جدایی ناپذیرند و شرایط جغرافیایی بر روی عادات، اخلاق و بروز انواع بیماری‌های انسانی و درمان آنها موثر است (۵).

از این رو، در این تحقیق تاریخچه شیوه‌های سنتی درمان با تأکید بر نقش اقلیم جغرافیایی روستای آبکنار مدنظر قرار گرفته است. در گذشته، ساکنین این روستا به مانند اکثر روستاها و شهرهای دیگر ایران، به دلیل عدم پیشرفت علم پزشکی و با تکیه بر تجارب و دانش درمان سنتی زنان و مردان محلی و با پناه بردن به طبیعت، به معالجه امراض می‌پرداختند. این شیوه درمانی متکی به اقلیم جغرافیایی که همواره با آزمون و خطا همراه بوده در گویش محلی به «آلوسی پلوسی» مشهور است. آلوسی پلوسی در روستای آبکنار از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و هم اکنون جزئی از دانش بومی و پزشکی مردمان این ناحیه محسوب می‌شود. البته اکثر این شیوه‌های درمانی سبب درمان قطعی بیماری نمی‌شد و تنها تسکین موقتی درد و جنبه تلقینی را به همراه داشت. با این وجود، آگاهی داشتن از روش‌های درمانی مورد استفاده ساکنین روستای آبکنار با تکیه بر اقلیم جغرافیایی این منطقه خالی از لطف نیست. بنابراین، یکی از اهداف اساسی این تحقیق، آشنایی با فرهنگ و باورهای مردم این خطه به منظور حفظ میراث فرهنگی ناملموسی بنام «اقلیم درمانی» است. بر این اساس، در ابتدای امر معرفی اجمالی موقعیت جغرافیایی این روستا به روش توصیفی-تحلیلی امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۲. روستای آبکنار

آبکنار منطقه‌ای جلگه‌ای-جنگلی به مفهوم "کنار آب" است و این نام از آن جهت که این روستا در کنار آب واقع شده به خوبی به آن نسبت داده شده است. این روستا دارای قدمتی بیش از ۴۰۰ سال می‌باشد تا آنجا که رابینو در کتاب ولایات دارالمرز ایران (گیلان) می‌نویسد: "آبکنار روی شبه جزیره‌ای در تالاب قرار دارد و دارای کارخانه‌ای برای خشک کردن پپله

(گیاهان غوطه‌ور، شناور و حاشیه‌ای) محسوب می‌شود. از پوشش‌های گیاهی منحصربه‌فرد این تالاب می‌توان به نیلوفر آبی، لاله دریایی و نیزارها اشاره نمود (۱۰). علاوه بر این، تالاب انزلی در سال ۱۳۵۴ در فهرست تالاب‌های بین‌المللی کنوانسیون رامسر به ثبت رسید و همچنین سازمان بین‌المللی محیط زیست این تالاب را به عنوان زیستگاه با اهمیت برای پرندگان تشخیص داده است (۱۱). نکته حایز اهمیت کشف عنصر فلزی ارزشمند تیتانیوم در تالاب انزلی است که میزان این فلز در رسوبات تالاب حدوداً ۱۲ درصد گزارش شده است (۱۲).

۴-۱. بیان مسأله و پیشینه تحقیق

آنچه نگارش این پژوهش برای نویسندگان را امری ضروری ساخت، تحقیقات اخیر پزشکی در زمینه «تعامل انسان و محیط زیست» و «تأکید بر شیوه اقلیم درمانی» در حفظ سلامتی انسان و درمان بیماری‌هاست. از آنجایی که امروزه «نقش محیط زندگی بر سلامت انسان» بر همگان مبرهن است، این تحقیق قصد دارد با مروری بر تاریخچه درمان به شیوه‌های سنتی با تمرکز بر اقلیم جغرافیایی روستای آبکنار، زمینه‌ای را جهت توجه بیشتر به توصیه‌های علم اقلیم درمانی برای درمان انواع بیماری‌های روحی و جسمی فراهم آورد. علاوه بر این، نویسندگان این مقاله در تلاشند که در نهایت به چند سوال اساسی که علت اصلی شکل‌گیری این پژوهش است، پاسخ مناسبی دهند. مهمترین سوالاتی که در این باره در ذهن شکل می‌گیرند عبارتند از:

- (۱) پوشش‌های گیاهی و غیرگیاهی مورد استفاده در شیوه‌های سنتی درمان روستای آبکنار کدامند؟
- (۲) میزان بهره‌مندی ساکنین روستای آبکنار از اقلیم جغرافیایی منطقه سکونتشان در شیوه‌های سنتی درمان تا چه حد بوده است؟
- (۳) اقلیم جغرافیایی این منطقه تا چه حد پاسخگوی رفع نیاز و یا درمان بیماری‌های رایج بوده است؟

است (۶). آبکنار از روستاهای دهستان چهارفریضه و از توابع شهرستان بندرانزلی می‌باشد. مساحت این روستا دو هزار هکتار است و از شمال به «تالاب انزلی»، از شرق به «دشت ماهروزه و نرگستان»، از جنوب به نیزار «سیاه کیشم» و از غرب به تنها راه ارتباطی خشکی با شهرستان بندرانزلی محدود می‌شود (۷). گویش ساکنین آن گیلکی می‌باشد و دین آنها اسلام است. همچنین، بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، این روستا دارای ۹۴۳ خانوار و ۲۴۴۸ نفر جمعیت می‌باشد (۸). پیشه اصلی مردم آبکنار از گذشته تا به امروز، کشاورزی (کاشت برنج و صیفی‌جات)، باغداری (پرورش درختانی نظیر توسکا، صنوبر، تبریزی... و کشت سیگار)، نوغانداری (پرورش کرم ابریشم) و صید ماهی و شکار پرندگان از تالاب بندرانزلی می‌باشد. بر اساس تقسیم‌بندی‌های اجتماعی، روستای آبکنار یک روستای پیشرفته با شبکه توزیع آب، برق، گاز و سیستم تصفیه محسوب می‌شود. علاوه بر این، این روستا دارای مساجد و مدارس متعدد (برای تمامی مقاطع تحصیلی) کتابخانه عمومی، بازار محلی، مراکز درمانی (درمانگاه مجهز و خانه بهداشت)، مراکز تفریحی (پل پرندنگری، پارک، جاده ماهروزه، رستوران درنا، قایق‌سواری در تالاب...)، مراکز خدماتی (نظیر هتل، شعب متعدد بانکی، دفتر پست، دفاتر بیمه، نانوائی، بقالی، قصابی، قهوه‌خانه، تعمیرگاه اتومبیل...) می‌باشد (۹).

۳-۱. تالاب انزلی

تالاب انزلی در زمره پُرآب‌ترین تالاب‌های طبیعی ایران با رطوبت بسیار بالا (حداکثر بارندگی در زمستان و حداکثر رطوبت در تابستان)، آب شیرین و مساحتی بالغ بر ۲۰ هزار هکتار است. این تالاب از بزرگترین زیستگاه‌های طبیعی پرندگان بومی و مهاجر (حواصیل‌ها، پلیکان‌ها، فلامینگوها، قوها، اردک‌سانان، مرغابی‌ها، غازها، کشیم‌ها، خروس‌ها...)، انواع آبزیان (خرچنگ خوراکی، ماهی‌های خاویاری و استخوانی نظیر ماهی سفید، کپور، علف‌خوار، کولی، شوک، سیم...) و مکان مناسبی برای رشد پوشش‌های گیاهی خاص

باورهای نادرست در گسترش بیماری‌های عصر قاجار در استان گیلان گزارش شده است (۱۷).

- انسان‌شناسی پزشکی و طب عامه (مطالعه موردی بر درمان دندان درد در گیلان با تکیه بر تالش)، نوشته میرمیران و مسعودی (سال ۱۳۹۴)، همایش ملی تالش شناسی. در این مقاله گیاهان دارویی مورد استفاده برای درمان دندان درد در منطقه تالش مورد مطالعه قرار گرفته است (۱۸).

با مطالعه تحقیقات نامبرده شده می‌توان دریافت که هر کدام از آنها نگاهی گذرا به درمان سنتی با تکیه به برخی شیوه‌های مشخص در مناطق خاص جغرافیایی داشته‌اند و جای خالی پژوهشی که نقش اکثر منابع طبیعی در اقلیم جغرافیایی استان گیلان را مدنظر قرار دهد، به چشم می‌خورد. بر این اساس، در این پژوهش تلاش می‌شود با معرفی شیوه‌های درمان سنتی رایج و وابسته به طبیعت روستای آبکنار «نقش و اهمیت اقلیم درمانی بر سلامت انسان» از گذشته تا به امروز مورد مطالعه و بازبینی قرار گیرد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تدوین و نگارش این پژوهش، اصل امانت‌داری و صداقت استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، گردآوری اطلاعات به شیوه مصاحبه‌های حضوری و تلفنی با درمانگران خبره و ساکنان قدیمی این روستا (اعم از مرد و زن) است. در این مطالعه، اطلاعات بدست آمده از طریق مصاحبه با افراد ریش سفید و درمانگر به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، اطلاعات مربوط به شیوه‌های درمانی که توسط خود این افراد به صورت تجربی در گذشته مورد استفاده قرار گرفته بودند و یا حتی در حال حاضر نیز استفاده می‌شدند. دسته دوم، اطلاعات مربوط به

(۴) آیا از شیوه‌های درمانی نامبرده شده در حال حاضر نیز استفاده می‌شود یا خیر؟

با جستجو در پایگاه مجلات و نشریات تخصصی و علمی-پژوهشی، مطالعه‌ای با محوریت «شیوه‌های سنتی درمان مبتنی بر اقلیم جغرافیایی استان گیلان (مطالعه موردی روستای آبکنار)» یافت نشد. تحقیقاتی که از حیث موضوع تا حدودی ممکن است به پژوهش حاضر نزدیک باشند عبارتند از:

- گیاهان دارویی گیلان (تحفه سنتی)، نوشته غلامرضا صالح جو (سال ۱۳۸۵). در این کتاب تنها به مهمترین پوشش‌های گیاهی استان گیلان که خاصیت دارویی دارند، اشاره شده است (۱۳).

- طب سنتی مردم گیلان، نوشته محمد بشرا (سال ۱۳۸۹). در این کتاب با نگاهی کوتاه به طب پیش از اسلام و طب نبوی، انواع بیماری‌ها و شیوه‌های درمان سنتی رایج با توجه به موقعیت جغرافیایی استان گیلان، معرفی می‌شود (۱۴).

- گیاهان دارویی استان گیلان و قسمت‌های مورد استفاده آنها، نوشته عباس اکبرزاده و همکاران (سال ۱۳۸۹)، فصلنامه علمی-پژوهشی گیاهان دارویی و معطر ایران. در این مقاله تنها به پوشش‌های گیاهی با خاصیت دارویی در استان گیلان اشاره شده است و شیوه‌های سنتی درمان مبتنی بر پوشش‌های غیرگیاهی موضوع بحث نمی‌باشد (۱۵).

- اهمیت و شناخت مصارف مختلف زیتون توسط مردم (مطالعه موردی: روستای جوبین استان گیلان)، نوشته قدیمی و قوام (سال ۱۳۹۸)، مجله طب سنتی اسلام و ایران. در این مقاله تنها به خواص درمانی زیتون و فرآورده‌های آن تنها در یک روستای استان گیلان پرداخته شده است (۱۶).

- تأثیر باورهای عامیانه بر گسترش بیماری‌ها در گیلان عصر قاجار، نوشته پناهی و رحمانی‌نژاد (سال ۱۳۹۹)، مجله طب سنتی اسلام و ایران. در این مقاله نقش

شیوه‌هایی که بسیار قدیمی بودند و در سال‌های گذشته منسوخ شده و این افراد تنها آنها را از گذشتگان روایت کرده‌اند. پس از مصاحبه با این افراد اطلاعات فیش‌برداری و گردآوری شد. نهایتاً، مطالب دسته‌بندی شدند و پس از تطبیق داده‌ها با مستندات تاریخی نگارش صورت گرفت.

۴. یافته‌ها

به نظر می‌رسد که «اقلیم جغرافیایی روستای آبکنار» نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شیوه‌های سنتی درمان (اقلیم درمانی) از گذشته‌های دور تا به امروز داشته است. مجاورت با دریای مازندران و تالاب بندرانزلی، برخورداری از رویش عنصر «برنج»، پوشش‌های گیاهی منحصربه‌فرد منطقه و حضور برخی از گونه‌های خاص پرندگان به افزایش کیفیت و تنوع شیوه‌های سنتی درمان در روستای آبکنار کمک قابل توجهی نموده است.

۵. بحث

به منظور تحلیل بهتر روش‌های سنتی درمان که در روستای آبکنار توسط ساکنین آن مورد استفاده قرار می‌گرفته است، این شیوه‌ها بر اساس منابع طبیعی مورد استفاده دسته‌بندی شده‌اند تا خواننده درک بهتری از مطالب داشته باشد.

۵-۱. شیوه‌های درمانی مبتنی بر پوشش‌های گیاهی منطقه

۵-۱-۱. برنج (Rice)^۱

که در زبان محلی به آن «بَج» می‌گویند و مهمترین محصول زراعی استان گیلان محسوب می‌شود. برنج گیلان به دلیل رطوبت منطقه و خاک حاصلخیزش در گروه مرغوب‌ترین برنج‌های دنیا قرار دارد. مهمترین حرفه ساکنین روستای آبکنار نیز کشاورزی و مخصوصاً کاشت برنج است. از گذشته تا

به امروز، برنج به عنوان غذای اصلی ساکنین این روستا محسوب می‌شود. بنابراین، طبیعی است که ساکنین این روستا به خواص درمانی آن نیز توجه خاصی داشته باشند. آنها برنج را با آب پخته و پس از جوشیدن، آن را از برنج پخته جدا کرده و پس از خنک شدن برای درمان یبوست می‌نوشیدند و یا موی سر را با این آب شستشو می‌دادند (جهت تقویت و جلوگیری از ریزش مو- هنوز هم از این روش در روستا استفاده می‌شود). از سویی دیگر، برای برطرف نمودن ناراحتی‌های پوستی (التهاب پوستی، اگزما، آکنه یا خارش) ناحیه مورد نظر را با آب برنج شستشو می‌دادند. همچنین، پوست برنج را دم کرده و دمنوش آن را به بیمارانی که دارای مشکلات گوارشی (اسهال و استفراغ) بودند می‌دادند تا تحریکات روده و معده آنها تسکین یابد. ساکنین این روستا کاه باقی‌مانده از گیاه برنج را (پس از برداشت دانه‌های برنج) با آب دم کرده و از این دمنوش به بیمارانی که تنگی مجاری ادرار داشتند می‌خوراندند که بسیار نافع بود. علاوه بر این، کاه حاصل از گیاه برنج را می‌سوزاندند و خاکستر آن را بر روی زخم‌های عفونی پوست بدن می‌مالیدند، زیرا معتقد بودند که خاصیت پالایندگی و ضدعفونی‌کنندگی دارد و سبب تسریع بهبود زخم می‌شود. بر اساس تحقیقات صورت گرفته، از این شیوه درمان هنوز هم در روستای آبکنار استفاده می‌شود. همچنین، برای بهبود زخم پوست آلت تناسلی پسرانی که ختنه می‌کردند از این خاکستر به عنوان مرهم و پماد استفاده می‌کردند که امروزه همچنان از این روش در روستا استفاده می‌شود. علاوه بر این، از گذشته تاکنون از خاکستر حاصل از سوختن کاه برنج برای شستشوی ظروف (بجای شوینده) استفاده می‌شود که پاکیزگی خیره‌کننده‌ای را از خود باقی می‌گذارد (۹). در حال حاضر مشخص شده است که خاکستر گیاه برنج حاوی املاح قلیایی (نظیر کلسیم، منیزیم، پتاسیم و سدیم) هستند که خاصیت پالایندگی دارند. دانه‌های برنج نیز دارای مواد مغذی مختلفی از قبیل فسفر، آهن، تیامین، ریبوفلاوین، تیاسین، پروتئین، چربی، قند و انواع ویتامین‌ها (مانند ویتامین آ، ب، دی و ای) می‌باشند (۲۰).

^۱ با نام علمی *Oryza sativa* گیاهی یکساله و علفی است. این گیاه راست ساقه، بدون کُرک با ارتفاعی حداکثر ۱/۵ متر، پرشاخه با سنبلیچه‌های بدون سیخ است (۱۹).

۵-۱-۲. گلِ خَتَمی (Khatmi flower)^۲

در استان گیلان به صورت علف هرز در مزارع، باغ‌ها، حاشیه جاده‌ها و مناطقی که دارای نور کافی باشد رشد می‌کند و گونه‌هایی با رنگ‌های سفید و قرمز در روستای آبکنار یافت می‌شود. ساکنین روستای آبکنار به خواص دارویی این گیاه آگاهی داشتند و به وفور از گذشته تا به امروز از آن استفاده می‌کنند. در گذشته برای تمام عفونت‌های مجاری تنفسی (حتی توأم با تورم)، درمان آبسه، دُم‌ل‌های دهان و حلق، تورم روده، مشکلات مجاری ادراری از دَم کرده این گیاه استفاده می‌کردند. علاوه بر این، جهت درمان سل، ذات‌الریه، تنگی نفس، خِس خِس سینه و اسهال خونی، ریشه و برگ‌های این گیاه را سابیده و از دمنوش آن به بیمار می‌خوراندند تا بهبود یابد. ساکنین این روستا دریافته بودند چنانچه گل و برگ این گیاه در سایه خشک شده باشد، دَم کرده آن برای درمان انواع سرماخوردگی‌ها و تورم حنجره داروی مناسبی است. همچنین، از جوشانده حاصل از ریشه و برگ این گیاه برای برطرف نمودن خارش حاصل از کُهِیر و سوختگی‌های پوستی استفاده می‌کردند و محل مورد نظر را با این جوشانده شستشو می‌دادند (۹). در حال حاضر نیز از دمنوش و جوشانده این گیاه به ترتیب برای درمان سرماخوردگی و کاهش خارش حاصل از کُهِیر استفاده می‌شود. امروزه با پیشرفت علم پزشکی مشخص شد که این گیاه (به‌خصوص گل‌های آن) به‌خاطر داشتن ترکیباتی نظیر آنتوسیانین‌ها، فلاونوئید، تاننها و موسیلاژ (لیزآب) خاصیت نرم‌کنندگی، مُسکِن و ضد سُرُفه دارد و در درمان سرماخوردگی‌ها به عنوان خلط‌آور می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (۲۱).

۵-۱-۳. پیاز (Onion)^۳

در روستای آبکنار مصارف خوراکی فراوانی داشت. ساکنین این روستا از گذشته تا به امروز، به هنگام طبخ گوشت حتماً از پیاز استفاده می‌کنند. آنها دریافته بودند که مصرف پیاز در کنار غذا به هضم بهتر آن کمک زیادی می‌کند. علاوه بر این، در درمان‌های سنتی هم مصرف پیاز به وفور مورد توجه ساکنین آن قرار داشت. به عنوان مثال، برای درمان سرماخوردگی پیاز را پخته به همراه آبی که از آن خارج می‌شد به بیمار می‌خوراندند تا از سرفه‌های مکرر بیمار جلوگیری کند. علاوه بر این، پیاز خام را خرد کرده و در اتاق قرار می‌دادند تا تنگی نفس و تورم گلو بیمار با تنفس آن بهبود یابد. بر اساس مشاهدات انجام شده از این شیوه‌های درمانی در حال حاضر نیز برای درمان سرماخوردگی، سرفه و تنگی نفس استفاده می‌شود. همچنین، برای بهبود درد دندان قطعه‌ای از پیاز را بر روی آن قرار می‌دادند تا درد و تورم لثه التیام یابد. از سویی دیگر، برای جلوگیری از ریزش مو و یا برای از بین بردن امراض پوستی (نظیر زگیل)، سر و محل عارضه پوستی را با آب پیاز شستشو می‌دادند. بر اساس اطلاعات بدست آمده برای از بین بردن خارش و التهاب چشم آسیب‌دیده نیز از آب پیاز برای شستشو و بهبود آن استفاده می‌کردند (۹). امروزه مشخص شده است که پیاز سرشار از ویتامین‌های ب و ث، ترکیباتی نظیر نیترات‌ها (عامل تکرر ادرار، مانع از بروز سرطان و ذات‌الریه)، ترکیبات گوگردی (عامل پالایندگی خون، مجاری تنفسی، عدم ریزش مو و ممانعت از التهاب گلو)، سیترات، فسفات، کلسیم، سدیم، پتاسیم و چندین نوع قند است. همچنین، پیاز حاوی ترکیبی مشابه پنی‌سیلین است و از این جهت میکروب‌کش قوی و ضدعفونی‌کننده طبیعی هوا و غذا محسوب می‌شود (۲۲).

^۲ با نام علمی *Althaea officinalis* گیاهی چندساله، علفی و از تیره پنیرکیان است. گل، میوه و ریشه آن خواص دارویی دارد. معمولاً دارای ارتفاع دو متر با گل‌های سفید، صورتی و فرمز است (۱۹).

^۳ با نام علمی *Alium cepa* گیاهی است دوساله با رشد بوته‌ای ضعیف و متعلق به سرده سیر و از تیره نرگسیان است (۱۹).

۵-۱-۴. سیر (Garlic)^۴

که از نظر مشخصات گیاهی مشابه پیاز است اما از نظر خواص درمانی با آن متفاوت می‌باشد به شکل‌های خام، پخته، سرخ شده و ترشی به وفور مورد مصرف ساکنین روستای آبکنار از گذشته تا به امروز بوده است. ساکنین روستای آبکنار از برگ‌های سبز این گیاه برای تهیه غذای محلی لذیذی به نام «سیر وُج» (به همراه برنج پخته شده، تخم مرغ و ادویه‌جات) استفاده می‌کنند و معتقدند مصرف این غذا باعث کاهش فشار خون می‌شود. البته امروزه مشخص شده است که مصرف سیر و برگ‌های آن باعث اتساع شرایین و مویرگ‌ها می‌شود و بر روی حرکات و انقباضات قلب موثر است و بدین ترتیب کاهش فشار خون را به همراه می‌آورد (۲۲). علاوه بر این در گذشته، حبه‌های سیر را می‌پختند و برای رفع سرماخوردگی، سرفه و گرفتگی صدا به بیمار می‌دادند که بسیار نافع بود. همچنین، برای رفع درد دندان مخلوطی از سیر و زنجبیل را بر روی دندان و محل تورم لثه قرار می‌دادند تا درد برطرف شود. برای درمان کچلی و جلوگیری از ریزش مو نیز سیر را با ریشه آلاله می‌پختند و بر سر بیمار می‌مالیدند و اعتقاد داشتند که عامل بیماری (یا همان قارچ یا میکروب) را از بین می‌برد (۹). رازی نیز در کتاب منافع اغذیه خود به خاصیت ضد عفونی‌کنندگی، ضدسرفه بودن و صاف کردن گلو توسط سیر پخته شده اشاره کرده است (۲۲) و این مهر تأییدی بر تجربیات گذشتگان روستای آبکنار در به کارگیری گیاه سیر برای درمان برخی از بیماری‌هاست. در حال حاضر نیز سیر در اکثر غذاهای ساکنین روستای آبکنار به کار می‌رود و حتی به صورت خام در کنار غذا مصرف می‌شود.

۵-۱-۵. تره (Chives)^۵

از سبزی‌های پر مصرف در سبزی خوردن، آش، کوکو، سبزی پلو... در روستای آبکنار است. نوع محلی آن بنام باغ تره یا تره باغی سبزی اصلی غذایی لذیذ و محلی بنام «ترش تره» است. این گیاه معمولاً در باغ‌ها، زیر درختان، کنار پرچین‌ها و جاهای نمناک بصورت خودرو رشد می‌کند. ساکنین این روستا تره پخته شده را به همراه آبی که از آن خارج می‌شود برای رفع یبوست، تقویت معده، رفع گرفتگی صدا، ضد سرفه، خلط‌آور و نرم‌کننده گلو استفاده می‌کردند (۹). امروزه خواص دارویی این گیاه در طب سنتی نیز تأیید شده است. در حال حاضر نیز از این گیاه برای درمان گرفتگی صدا و نرم‌کنندگی گلو همچنان استفاده می‌شود.

۵-۱-۶. کاسنی (Chicory)^۶

گیاه بومی روستای آبکنار نیست و اغلب در مناطق کوهستانی می‌روید. با این حال، ساکنین روستای آبکنار به خاطر پی بردن به خواص دارویی این گیاه برای تهیه آن به نواحی کوهستانی می‌رفتند. آنها قسمت‌های گوشت‌دار ریشه این گیاه را در آب ریخته و شب تا صبح در حیاط می‌گذاشتند تا شب‌نم صبحگاهی بر روی آن بنشیند. سپس، آب حاصل از این ریشه را بصورت ناشتا به بیمار مبتلا به مالاریا می‌دادند تا تب آن برطرف شود (معتقد به درمان بیماری مالاریا بودند). از سویی دیگر، جوشانده حاصل از برگ این گیاه را به بیماران پوستی (بیماری پوستی گال) به جای آب می‌خوراندند و معتقد بودند برای برطرف نمودن این بیماری نافع است. از شیر حاصل از ریشه این گیاه شربت‌تی تهیه می‌کردند تا برای درمان یبوست کودکان از آن استفاده کنند (۹). امروزه مشخص شده است که ریشه این گیاه حاوی ترکیباتی نظیر: سینامیک اسید، اینولین‌ها، فلاوونوئیدها، تانن‌ها و ترکیبات ضد میکروبی و

^۵ با نام علمی *Allium schoenoprasum* کوچکترین هموند خانواده پیازهای خوراکی و از تیره نرگسیان و متعلق به سرده سیر است (۱۹).

^۶ با نام علمی *Cichorium intybus* گیاهی است از راسته گل مینا و در ایران کاسنی معمولی یا کاسنی زرد مشهور به گل قاصدک در اغلب نواحی ایران می‌روید (۱۹).

^۴ با نام علمی *Alium sativum* گیاهی است علفی و دائمی از تیره نرگسیان و زیرتیره پیازیان که ساقه آن به ۴۰ سانتی‌متر می‌رسد (۱۹).

ضدباکتری است و در طب سنتی ایرانی برای درمان جوش‌های صورت و بیماری‌های پوستی استفاده می‌شود (۲۳).

۵-۱-۷. گلِ گاؤ زبان (Borage)^۷

این گل در اکثر خانه‌های روستاییان آبکنار به صورت خودرو رشد می‌کند و عطر خوبی را در حیاط خانه‌ها بر جای می‌گذارد. ساکنین روستا دمنوش حاصل از برگ و گل خشکیده این گیاه را برای رفع تب ناشی از سرماخوردگی و گلودرد به بیمار می‌خوراندند و یا برای برطرف نمودن سردرد، پیشانی و صورت بیمار را با این دمنوش شستشو می‌دادند. از سویی دیگر، برای برطرف نمودن التهابات دهان (دهان درد در کودکان) از این دمنوش استفاده می‌کردند. همچنین، از جوشانده ساقه و برگ این گیاه برای ادرارآوری بهره می‌جستند. گذشتگان روستای آبکنار از دمنوش این گیاه به عنوان یک نوشیدنی گرم در محافل خود بسیار استفاده می‌کردند چرا که معتقد بودند باعث آرامش و تقویت اعصاب می‌شود (۹). امروزه در طب سنتی به خواص دارویی فراوان گل گاؤ زبان ایرانی پی برده‌اند و به دلیل وجود ترکیب نیترات پتاسیم (۳ درصد) در این گیاه «خاصیت ادرارآوری» آن تأیید شده است (۲۴). در حال حاضر نیز از این گیاه به عنوان نوشیدنی آرامش بخش به خصوص هنگام سرماخوردگی در میان ساکنین روستا استفاده می‌شود.

۵-۱-۸. گزنه (Nettles)^۸

در جنگل‌ها، باغ‌ها و کنار نه‌رها می‌روید و بومی مناطق شمالی ایران (استان‌های گیلان و مازندران) است. ساکنین شمال ایران به خواص دارویی بی‌نظیر این گیاه از گذشته تا به امروز به خوبی واقف هستند. لیکن در تمام ایران خواص دارویی این گیاه آنطور که باید شناخته شده نیست. ساکنین روستای

^۷ با نام علمی *Echium amoenum* گیاهی دو یا چند ساله با ساقه ساده یا منشعب و برگ‌های سرنیزه‌ای و کرکدار که از تیره گاؤزبانان است. گل‌های این گیاه به رنگ‌های ارغوانی یا متمایل به بنفش است (۱۹).

^۸ با نام علمی *Urtica* گیاهی علفی و پایا از تیره گزنه‌یان است و برگ‌هایش پوشیده از کرک‌های گزنده می‌باشد (۱۹).

آبکنار سرشاخه‌های جوان گیاه گزنه را دم می‌کردند و از این دمنوش برای برطرف نمودن تنگی نفس (ناشی از سرماخوردگی)، افزایش ادرار و کاهش فشار خون استفاده می‌کردند. علاوه بر این، برگ‌های این گیاه را می‌کوبیدند و از آن به صورت پماد بر روی محل زخم و چرکی قرار می‌دادند تا عفونت‌ها خارج شود. از سویی دیگر، جوشانده گزنه را غرغره کرده و به تقویت لثه و برطرف نمودن تورم لوزه معتقد بودند. همچنین، برگ‌های گزنه را خشک کرده می‌ساییدند تا به صورت پودر درآید، آنگاه از این پودر بر روی زخم‌های عفونی می‌پاشیدند تا عفونت خارج شده و زخم التیام یابد. البته از این پودر برای تهیه حلوای برنجی و غذای لذیذ محلی «تُرشِ تَره» نیز استفاده می‌کردند. زنان برای افزایش شیر خود در دوران شیردهی برگ‌های این گیاه را پخته و همراه با لبنیات (ماست) می‌خوردند و ضمناً مصرف گزنه تنظیم‌کننده بسیار قوی عادت ماهیانه زنان نیز بوده است (۹). امروزه خاصیت ضدالتهابی گیاه گزنه به دلیل وجود ترکیبات آنتی‌هیستامین موجود در آن تأیید شده است، به نحوی که در مراقبت‌های زیبایی پوست برای تهیه لوسیون و کمپرس گزنه (جهت تمیز کردن پوست، از بین بردن آکنه، اگزما و جلوگیری از ریزش مو) موارد مصرف فراوانی دارد (۲۵). در حال حاضر نیز روستاییان همچنان از خواص دارویی این گیاه ارزشمند بهره می‌برند و از دمنوش آن برای کاهش فشار خون استفاده می‌کنند. گزنه در تهیه غذای محلی لذیذ و پُرطرفدار «تُرشِ تَره» هنوز هم به کار می‌رود.

۵-۱-۹. ریحان (Basil)^۹

از گذشته تا به امروز، اغلب در روستای آبکنار به دلیل برگ‌های معطر به عنوان «سبزی خوردن» مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، ساکنین روستا سرشاخه‌های ریحان را دم کرده و معتقد بودند که این دمنوش برای رفع سردرد، سرگیجه، دل درد و نفخ معده بسیار مفید است. از سوی دیگر،

^۹ با نام علمی *Ocimum basilicum* گیاهی یکساله از تیره نعنائیان است که دارای برگ‌هایی بسیار معطر است (۱۹).

پونه وحشی با گل‌های سفید به وفور رشد می‌کند. ساکنین روستا از برگ‌های این گیاه معطر علاوه بر سبزی خوردن دمنوش تهیه کرده و برای رفع نفخ و دل درد استفاده می‌کنند (۹). از این شیوه درمان هنوز هم در روستای آبکنار استفاده می‌شود.

۵-۱-۱۲. گیج واش (Gige vash)^{۱۲}

به آن سرسام واش هم می‌گویند و آن گیاهی معطر، خودرو و بومی استان گیلان می‌باشد. روستاییان معتقد بودند اگر کسی این گیاه را بچیند برای چند ساعت گیج و مَنگ می‌شود. با این وجود، از دم کرده ریشه‌های این گیاه برای رفع نازایی در زنان استفاده می‌شد (۹). امروزه خاصیت ضدباکتریایی این گیاه از نظر علمی ثابت شده است (۲۷).

۵-۱-۱۳. بارهنگ (Plantain)^{۱۳}

در گویش محلی به آن «ریماج» می‌گویند. این گیاه در روستای آبکنار در باغ‌ها و مزارع به وفور رشد می‌کند. ساکنین روستا دانه‌های این گیاه را بر روی قاشقی قرار داده و بر روی آتش گرم می‌کردند (با این عمل چربی دانه‌ها خارج می‌شد) و پس از خنک شدن به کودکان می‌دادند تا دل درد و دل پیچه آنها برطرف شود. از سوی دیگر، برگ‌های این گیاه را سوراخ سوراخ می‌کردند و بر روی دُمَل چرکی قرار می‌دادند تا چرکی‌ها خارج شده و زخم التیام یابد (۹). امروزه مشخص شده است که دانه‌های این گیاه حاوی ترکیباتی نظیر چربی، صمغ، موسیلاژ (لیزآب) و گلوکوزید است و برگ‌هایش نیز سرشار از تانن، کومارین و فلاونوئید می‌باشد (۲۸). در حال حاضر نیز، کشاورزان آبکنار برای خارج کردن چرکی‌های حاصل از زخم‌های دست و پای خود در حین کشاورزی از برگ‌های این گیاه استفاده می‌کنند.

دانه‌های سیاه ریحان خاصیت روغنی همراه با موسیلاژ (یا لعاب) دارد و به همین دلیل روستاییان از دم کرده دانه‌های آن جهت رفع خشکی سینه و نرم شدن پوست دست بهره می‌بردند (۹). روستاییان همچنان از این دمنوش برای درمان خشکی سینه استفاده می‌کنند. امروزه از این گیاه به عنوان ماده معطر در صنعت عطرسازی، صابون‌سازی، بُخور و صنایع غذایی استفاده‌های فراوانی می‌شود.

۵-۱-۱۰. نعنای (Mint)^{۱۰}

که در گویش محلی به نام‌های «دَلال، دَرارُ یا پینی» معروف است. این گیاه به صورت خودرو در حیاط خانه‌های روستاییان رشد می‌کند و علاوه بر مصرف خوراکی، خواص دارویی چشمگیری دارد. مهمترین خاصیت دارویی این گیاه برطرف‌کننده نفخ، دل درد، هضم غذا، اشتهاآور، از بین برنده حالت تهوع در زنان باردار، خوشبوکننده دهان و سردردهای ناشی از میگرن است (۲۶). روستاییان از دمنوش برگ و ساقه نعنای برای رفع دل پیچه و اسهال استفاده می‌کردند. همچنین، برگ‌های نعنای را ساییده به صورت خمیر درآورده و آن را بر روی حرارت قرار داده و به کودکان برای از بین بردن نفخ و دل درد می‌خوراندند. از سویی دیگر، برگ‌های نعنای را در آبجوش ریخته و از بُخور آن برای باز شدن مجاری تنفسی بیمار سرماخورده بهره می‌بردند (۹). با وجود پیشرفت‌های علم پزشکی و دسترسی به انواع داروهای شیمیایی، اغلب ساکنین روستای آبکنار هنوز هم از دمنوش نعنای برای رفع نفخ و دل درد استفاده می‌کنند.

۵-۱-۱۱. پونه (Pongee)^{۱۱}

در مناطق مرطوب، حاشیه جویبارها، نه‌رها و تالاب‌های با آب شیرین به صورت خودرو رشد می‌کند. این گیاه دارای گل‌هایی با رنگ‌های بنفش، سفید یا آبی است که در روستای آبکنار

^{۱۲} با نام علمی Pimpinella saxifraga گیاهی علفی و خودرو از تیره چتریان است (۲۷).

^{۱۳} با نام علمی Plantago major گیاهی چند ساله از تیره بارهنگیان با برگ‌های تخم مرغی شکل و پهن است (۱۹).

^{۱۰} با نام علمی Mentha نام گیاهی چندساله از تیره نعنائیان و جز سبزی‌های خوراکی معطر است (۱۹).

^{۱۱} با نام علمی Mentha piperita گیاهی از خانواده نعنائیان با برگ‌های کرکدار و بسیار معطر است (۱۹).

۵-۱۴. خَنْشَتْ (Khanasht)^{۱۴}

از گیاهان بومیِ معطر استان گیلان است. در روستای آبکنار این گیاه را می‌پختند و با زرده تخم مرغ مخلوط کرده و بر روی دُمَل چرکی می‌گذاشتند تا سرباز زده و چرکی‌ها خارج شود (۹).

۵-۱۵. کُوتْ کُوتیْ واشْ (Kutkuti vash)^{۱۵}

همان خالِ واشْ (نوعی علفِ هرز) است و در مناطق مرطوب گیلان در بیشه‌زارها و کنار مزارع رشد می‌کند. مردم روستای آبکنار از آن به عنوان نوعی سبزی خوردن و یا در تهیه برخی از غذاهای محلی استفاده می‌کنند. همچنین، به علت معطر بودن از این گیاه برای تهیه چاشنی محلی دَرَارُ یا دَلال^{۱۶} استفاده می‌شود. علاوه بر این، از دمنوش برگ‌های این گیاه برای برطرف نمودن سردی مزاج، دل درد و دل پیچه کودکان بسیار بهره می‌بردند (۹). در حال حاضر نیز، مردم روستا از این گیاه در تهیه دَلال استفاده می‌کنند.

۵-۱۶. شَوْنَد (Shound)^{۱۷}

یا اَقْطی سیاه نام درختچه‌ای با میوه‌هایی شبیه انگور است که در جاهای مرطوب و در سایه رشد می‌کند. برگ‌ها و ساقه‌های این گیاه بسیار بد بو است اما به همراه میوه‌هایش خاصیت درمانی فراوانی دارد. روستاییان از دمنوش حاصل از برگ‌های این گیاه برای رفع درد مفاصل (روماتیسم)، درمان کچلی، اسهال و دل درد استفاده می‌کردند. از سویی دیگر، کشاورزان روستا به خاصیت ضد عفونی‌کنندگی این گیاه پی برده بودند و

چنانچه دچار چشم درد یا جراحات پوستی می‌شدند با قرار دادن برگ‌های این گیاه بر چشم و زخم خود بهبود می‌یافتند. علاوه بر این، دمنوش حاصل از ساقه و ریشه این گیاه بسیار مُلین، اِدْراآور و ضدیبوست است به نحوی که اولین انتخاب ساکنین این روستا برای درمان یبوست بود (۹). امروزه طب سنتی خواص درمانی نامبرده از این گیاه را تأیید می‌کند (۲۹). در حال حاضر نیز روستاییان از خواص درمانی این گیاه غافل نبوده و برای درمان یبوست و بهبود جراحات پوستی استفاده می‌کنند.

۵-۱۷. دُرتْ (Corn)^{۱۸}

یا بَلال از گذشته تا به امروز در مزارع استان گیلان کشت می‌شود. دانه‌های بلال به صورت بو داده و پخته شده در تهیه غذا و یا به عنوان تنقلات در روستای آبکنار مصرف می‌شود. همچنین، زنان این روستا دانه‌های ذرت را با آسیاب سنگی به آرد تبدیل می‌کردند و پس از بو دادن آن را با شکر مخلوط کرده و برای رفع گرسنگی به هنگام کار در مزارع می‌خوردند. ساکنین آبکنار از کَلاله (کاکل) و دُمگل‌های گُل ماده گیاه ذرت دمنوش تهیه کرده و برای کاهش فشار خون و رفع گرفتگی صدا ناشی از سرماخوردگی می‌نوشیدند (۹). کَلاله و دُمگل‌های این گیاه حاوی ترکیباتی نظیر تانن، اسانس روغنی، لیپید و نمک‌های آلی است که در طب سنتی از ارزش دارویی بالایی برخوردارند (۱۹).

۵-۱۸. آفتابگردان (Sun flower)^{۱۹}

به خاطر دانه‌های روغنی لذیذش در مزارع استان گیلان به وفور کاشت می‌شود. ساکنین روستای آبکنار علاوه بر استفاده

^{۱۴} با نام علمی *Mentha arvensis* همان نعناع وحشی است که در مناطق مرطوب می‌روید (۱۹).

^{۱۵} با نام علمی *Mentha pulegium* گیاهی علفی، چند ساله از خانواده نعنائیان است. این گیاه دارای برگ‌های بیضی‌شکل و گل‌های بنفش رنگ است (۱۹).

^{۱۶} چاشنی سبز خانگی تهیه شده از نعناع ساییده شده به همراه سبزی‌های معطر محلی که حاوی نمک فراوانی است. از این چاشنی به دلیل طبع گرمش هنگام مصرف لبنیاتی نظیر ماست و دوغ، میوه‌هایی مانند خیار، مرکبات و آلوچه سبز استفاده می‌شود.

^{۱۷} با نام علمی *Sambucus nigra* نام گیاهی یکساله از تیره هفت کولان با گل‌های سفید یا صورتی است (۱۹).

^{۱۸} با نام علمی *Zea mays* گیاهی علفی، یکساله با ساقه ضخیم و ارتفاع حداکثر ۴ متر می‌باشد. گل آذین ماده این گیاه محوری سنبله مانند با چندین ردیف متراکم است که توسط غلاف‌های متعدد پوشیده شده و در انتها دارای تارهای فراوان بنام کاکل می‌باشد (۱۹).

^{۱۹} با نام علمی *Helianthus annuus* گیاهی یکساله از راسته گل مینا و تیره کاسنی است که دارای گلی بسیار زیبا با قطر ۳۵ سانتیمتر است. در میان این گل دانه‌های روغنی لذیذی قرار دارند (۱۹).

۵-۲. شیوه‌های درمانی مبتنی بر درختان منطقه

۵-۲-۱. توت (Berry)^{۲۱}

نام میوه درختی بسیار ارزشمند در گیلان و به خصوص روستای آبکنار است. زیرا یکی از مشاغل اصلی ساکنین این روستا پرورش کرم ابریشم می‌باشد که از برگ درختان توت تغذیه می‌کنند. در ابتدا میوه توت سفید یا شیری رنگ است و پس از رسیدن به رنگ سیاه با طعمی شیرین تبدیل می‌شود. ساکنین این روستا به ارزش غذایی بالای این میوه به دلیل طعم شیرین آن (وجود ترکیبات قندی ساکاروز) واقف بودند و آن را خشک کرده و در فصل زمستان به عنوان تنقلات مصرف می‌نمودند و یا از توت سیاه برای تهیه مربا بهره می‌بردند. مهمترین خاصیت درمانی این میوه ملین بودن آنست (سرشار از ویتامین آ و ث) که برای درمان بیماری‌های سینه مورد استفاده قرار می‌گرفت. علاوه بر این، ساکنین روستا از شیر حاصل از برگ‌های درخت توت برای برطرف نمودن تب استفاده می‌کردند و آن را التیامبخش زخم‌ها و جراحات نیز می‌دانستند. نکته جالب آنکه برای جلوگیری از خونریزی، الیاف ابریشمی را با آب دهان آغشته کرده و بر روی محل زخم می‌گذاشتند (نوعی پانسمان طبیعی) (۹). در حالی که امروزه بهترین نخ‌های جراحی نیز از الیاف ابریشمی تولید می‌شوند. علت این امر را می‌توان به شباهت فراوان آمینواسیدهای موجود در پروتئین ابریشم با آمینواسیدهای موجود در پوست انسان مربوط دانست. در حال حاضر نیز از میوه خشک شده این درخت (توت خشک) به عنوان منبع غذایی ارزشمند بخصوص در فصل زمستان استفاده می‌شود.

۵-۲-۲. مرکبات (Citrus)

مرکبات رایجی که در اغلب خانه‌های ساکنین روستای آبکنار وجود داشت شامل پرتقال، لیمو ترش و نارنج بود. امروزه ارزش غذایی مرکبات که منبع غنی از ویتامین ث هستند و سیستم ایمنی بدن را در برابر سرماخوردگی افزایش می‌دهند

از دانه‌های روغنی بو داده به عنوان تنقلات که در زبان محلی به آن «سیمچکا» می‌گویند، به ارزش درمانی روغن حاصل از این دانه‌ها به خوبی آگاهی داشتند. آنها از روغن حاصل از دانه‌ها به عنوان مرهم برای کاهش دردهای روماتیسمی مفاصل خود استفاده می‌کردند. همچنین، از دمنوش حاصل از گل و ساقه تازه این گیاه برای از بین بردن تب ناشی از بیماری مالاریا نیز بهره می‌بردند (۹). در حال حاضر نیز از دانه‌های بو داده این گیاه به عنوان تنقلات استفاده می‌شود.

۵-۱-۱۹. کدو حلوائی (Squash)^{۲۰}

به آن «کدوی رشتی» نیز می‌گویند. در استان گیلان و همچنین روستای آبکنار به وفور از گذشته تا به امروز در مزارع کشت شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. کدوی پخته شده در تمام ایام سال به عنوان یکی از غذاهای اصلی ساکنین روستای آبکنار محسوب می‌شود. آنها اعتقاد دارند که کدوی پخته شده برای درمان سرماخوردگی، نرم شدن و برطرف نمودن خس‌خس سینه بسیار مناسب است. علاوه بر این، فرد سرماخورده را در معرض بخارات حاصل از پختن کدو قرار می‌دهند تا از آن تنفس کند و بهبود یابد. از سویی دیگر، تخم حاصل از کدو را تفت داده و به عنوان تنقلات استفاده می‌کنند و معتقدند که برطرف‌کننده انگل‌های روده‌ای (یا کرم کدو) می‌باشد (۹). امروزه کدو به دلیل داشتن ترکیباتی نظیر فلاونوئیدها، آلکالوئیدها، قندها، چربی‌ها، ویتامین‌ها و مقادیر زیادی مواد معدنی (کلسیم، منیزیم، روی، آهن) در طب سنتی اهمیت زیادی دارد (۳۰) و جایگاه درمانی خود را در میان ساکنین روستای آبکنار حفظ نموده است.

^{۲۱} با نام علمی Morus alba درختی یک پایه یا دو پایه از تیره انجیریان است (۱۹).

^{۲۰} با نام علمی Cucurbita گیاهی بالارونده با گل‌های قیفی شکل و زرد رنگ که از تیره کدوسانان است (۱۹).

۵-۲-۴. به (Quince)^{۲۳}

درخت به وحشی در گذشته به صورت خودرو در جنگل‌ها و بیشه‌زارهای گیلان رشد می‌کرد. ساکنین روستای آبکنار به خواص دارویی میوه این درخت پی برده بودند. آنها از دانه‌های دم‌کرده میوه این درخت (درگوش محلی به دانه می‌گفتند) برای درمان سرفه استفاده می‌کردند. همچنین، آنها از خاصیت درمانی «میوه به پخته شده به همراه آب» برای رفع گلودرد و اسهال آگاهی داشتند. علاوه بر این، دانه‌های به را در آب خیسانده و برای برطرف نمودن زخم و ترک پستان زنان شیرده به کار می‌بردند. ساکنین این روستا معتقد بودند که مصرف دمنوش این میوه برای آرامش و تقویت اعصاب بسیار موثر است (۹). امروزه می‌دانیم که میوه به سرشار از ترکیبات موسیلاژ (یا لیزآب مملو از پلی ساکاریدها)، تانن، قند، پکتین، مالئیک اسید، املاح کلسیم و آهن، ویتامین‌های آ، ب و ث است که در طب سنتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (۳۱). در حال حاضر نیز برای درمان سرفه‌های ناشی از سرماخوردگی، نرم کردن گلو و خشکی سینه به وفور از به دانه در روستای آبکنار استفاده می‌شود.

۵-۲-۵. آنجیر (Figs)^{۲۴}

در استان گیلان به صورت خودرو و وحشی فراوان رشد می‌کند. علاوه بر مصرف میوه تازه‌اش در فصل تابستان و اوایل پاییز، از نوع خشک شده آن به صورت تنقالات در فصل زمستان استفاده می‌کنند. ساکنین روستای آبکنار این درخت را به دلیل طعم شیرین و لذیذ میوه و خاصیت درمانی‌اش در خانه‌های خود می‌کاشتند. شیرآبه این درخت طعم بسیار تلخ و گزنده‌ای دارد و ساکنین روستا برای از بین بردن زگیل، میخچه و بهبود زخم‌های چرکی از این شیر (حاوی آنزیم‌های

بر کسی پوشیده نیست. ساکنین این روستا از پرتقال و لیمو ترش برای رفع کسالت ناشی از بیماری سرماخوردگی، گلودرد، برطرف کردن سوزش معده و رفع بی‌اشتهایی استفاده می‌کردند. همچنین، از عصاره لیمو ترش برای از بین بردن عفونت‌های پوستی (نظیر تبخال) استفاده می‌شد و یا برای قطع خونریزی بینی چند قطره از آن را درون بینی می‌ریختند. از سویی دیگر، برای کاهش سوزش و یا خارش ناشی از گزیدگی حشرات (پشه و زنبور) عصاره لیمو ترش را بر محل مورد نظر می‌مالیدند. زنان ساکن این روستا برای از بین بردن آسیب‌های پوستی ناشی از نور خورشید در هنگام کشاورزی (کَکْ مَکْ و آفتاب سوختگی) از پوست و عصاره لیمو بر روی پوست صورت خود بهره می‌بردند. در فصل بهار نیز گل‌های درختان نارنج و پرتقال را جمع‌آوری کرده و به صورت شربت، دمنوش یا همراه با چای آنها را دم می‌کردند و از عطر و طعم بی‌نظیرشان در نوشیدنی‌ها لذت می‌بردند. تمام ساکنین روستای آبکنار از پوست خرد و خشک شده پرتقال، نارنج و یا لیمو در غذاهای محلی، دمنوش‌ها، مربا و ترشیجات استفاده می‌کردند. به عنوان مثال از آب نارنج برای لذیذتر شدن طعم ماهی سرخ شده، غذای محلی تُرَشِ تَرَه... استفاده می‌کردند (۹). در حال حاضر نیز از این مرکبات با همان شیوه‌های درمانی نامبرده شده در این روستا استفاده می‌شود.

۵-۲-۳. سیب (Apple)^{۲۲}

در گذشته در استان گیلان در حاشیه نهرها، جویبارها و جنگل‌ها به صورت خودرو و وحشی رشد می‌کرد. روستاییان این درخت وحشی را در حیاط خانه‌های خود به دلیل میوه لذیذ و خواص درمانی‌اش می‌کاشتند. ساکنین روستا میوه درخت سیب را می‌پختند و به عنوان مُلین مصرف می‌کردند. علاوه بر این، برای بهبود اسهال نیز به بیمار میوه سیب پخته شده را می‌خوراندند (۹).

^{۲۳} با نام علمی *Cydonia oblonga* گیاهی است از تیره گل‌سرخیان که در گذشته به صورت وحشی در جنگل‌های گیلان رشد می‌کرد و میوه آن دارای گوشت خشک و کرکی شکل است و طعم گس و ترش دارد. امروزه نژادهای اصلاح شده آن در مناطق مختلف گیلان پرورش داده می‌شود (۱۹).

^{۲۴} با نام علمی *Ficus carica* درختچه‌ای شیره‌دار از تیره انجیران است دارای ارتفاعی حداکثر ده متر و با برگ‌های متعدد و پهن می‌باشد (۱۹).

^{۲۲} با نام علمی *Malus pumila* درختی برگ‌ریز از خانواده گل‌سرخیان با میوه‌های آبدار و گوشتی می‌باشد (۱۹).

در آیین‌های سنتی نظیر شب یلدا و عید نوروز بر سفره قرار می‌گیرد. دمنوش برگ درخت ازگیل را برای رفع اسهال، استفراغ و دل درد به بیمار می‌خوراندند. علاوه بر این، از جوشانده حاصل از برگ ازگیل برای درمان چرکی گلو به صورت غرغره کردن استفاده می‌کردند. ساکنین روستا میوه ازگیل را درون آب قرار داده و پس از ۲۴ ساعت از این آب برای برطرف نمودن دهن درد (آبسه) و برفک دهن کودکان استفاده می‌کردند که بسیار کارآمد بود. از سوی دیگر، چوپانان ساکن این منطقه چوبدستی خود را از درخت ازگیل تهیه می‌کردند و باور داشتند تماس دست با چوب این درخت باعث آرامش و تقویت اعصاب می‌شود (۹). امروزه مشخص شده است که میوه درخت ازگیل سرشار از ترکیبات شیمیایی مفیدی نظیر تانن، مالئیک اسید، سیتریک اسید و ترکیبات قندی است. همچنین، میوه ازگیل سرشار از ویتامین ب است که برای تقویت اعصاب بسیار موثر است (۳۳).

۵-۲-۷. زیتون تلخ (Olive) ۲۷

در گویش محلی به آن «شال زیتون یا شال سنجد» نیز می‌گویند. از درختان خودرو و وحشی باغات و حاشیه مزارع روستای آبکنار است که گل‌های آن بنفش رنگ، معطر و میوه آن گوشتی و مشابه زیتون می‌باشد. به همین دلیل ساکنین روستا به آن شال زیتون (به معنی شبیه به زیتون) می‌گفتند. از آنجایی که میوه آن تلخ، سمی و غیرقابل خوردن است در گویش محلی به «تلخ زیتون یا توره زیتون»^{۲۸} نیز معروف است. ساکنین روستا به خواص درمانی این درخت به خوبی واقف بودند. آنها مقداری از برگ و میوه این درخت را دم کرده و دمنوش آن را به کودکانی که دل درد داشتند می‌خوراندند و معتقد بودند که انگل‌های روده‌ای را از بین می‌برد. علاوه بر

میکروب‌کش است) به مدت چند روز استفاده می‌کردند تا برطرف می‌شد. آنها همچنین برای خارج نمودن خار (که در اثر کار کردن در مزارع در دست و یا پاهایشان فرو می‌رفت) از این شیرآبه استفاده می‌کردند و محل مورد نظر را با آن آغشته کرده و پس از چند روز پوست آن ناحیه متورم می‌شد و سپس با فشار دادن محل تورم، خار از آن خارج می‌گردید. بر اساس تحقیقات صورت گرفته در حال حاضر نیز از این شیوه برای خارج نمودن خار، بهبود زگیل و میخچه استفاده می‌شود. از سویی دیگر، با آغشتن بُن دندان پوسیده به شیره برگ درخت انجیر، درد دندان و لثه تسکین می‌یافت. از خود میوه به صورت پخته شده یا خشک شده برای برطرف نمودن یبوست استفاده می‌کردند که امروزه خاصیت ملین و نرم‌کنندگی انجیر در طب سنتی تأیید شده است (۳۲). علاوه بر این، برگ انجیر را پخته و له کرده و از مرهم آن برای درمان بواسیر استفاده می‌کردند. جوشانده حاصل از میوه انجیر را برای درمان سرماخوردگی و گلودرد نیز به بیمار می‌خوراندند (۹).

۵-۲-۶. ازگیل (Medlar) ۲۵

در گویش گیلکی به آن «کُونوسُ یا فَر» نیز می‌گویند. نام درخت و میوه‌ای است که در زمان‌های گذشته به صورت خودرو و وحشی در جنگل‌ها، بیشه‌زارها و کنار نهادهای گیلان رشد می‌کرد و ساکنین روستای آبکنار این درختچه را به دلیل خاصیت درمانی و میوه لذیذش در حیاط خانه‌های خود پرورش می‌دادند. امروزه گونه اصلاح شده این درخت در باغ‌های گیلان به وفور تکثیر می‌شود و به «خرمای گیلان» مشهور است. ازگیل نارس سفیدرنگ، بسیار سفت و اسیدی است و پس از آنکه کاملاً رسیده شد به رنگ قهوه‌ای، نرم و شیرین تبدیل می‌شود. ساکنین روستای آبکنار از گذشته تا به امروز علاوه بر مصرف این میوه به صورت خام (بسیار اشتهاآور است) از آن برای تهیه ترشی لذیذی^{۲۶} استفاده می‌کنند که

^{۲۵} با نام علمی *Mespilus germanica* نام میوه و درختچه‌ای خاردار از خانواده گل سرخیان است (۱۹).

^{۲۶} برای تهیه این ترشی لذیذ میوه ازگیل را درون سرکه و نمک به مدت یک ماه در ظرف درب بسته گلی و در جای تاریک قرار می‌دادند. پس از آن ازگیل کاملاً نرم،

ترش مزه و به مدت طولانی قابل نگهداری بود. در حال حاضر نیز این ترشی لذیذ تهیه می‌شود و گردشگران زیادی خواهان تهیه آن هستند.

^{۲۷} با نام علمی *Melia azedarach* درختی از راسته افراسنان است با برگچه‌های بیضی نوک تیز و سبزرنگ که میوه‌های کوچک تخم مرغی شکل به رنگ سفید مایل به زرد دارد (۱۹).

^{۲۸} در گویش گیلکی توره به مفهوم دیوانه و کنایه‌ای از تلخ بودن است.

ناشتا سبب تصفیه خون، اشتهاآوری و تقویت معده (به خاطر ملّین بودن) می‌شود (۹).

۵-۲-۹. گردو (Walnut) ۲۰

گردو را به گویش محلی «آغوز» می‌نامند. در گذشته به صورت خودرو در باغات روستای آبکنار رشد می‌کرد، اگرچه امروزه درختان گردو اصلاح شده و پرورش می‌یابند. ساکنین روستای آبکنار از گذشته تا به امروز احترام خاصی برای این درخت ارزشمند قایل هستند. آنها از مغز میوه (مغز گردو)، برگ، ریشه، پوست سبز میوه (مناسب برای رنگرزی سنتی) و چوب درخت (ساخت خانه و قایق) استفاده‌های فراوانی می‌کنند. روستاییان از جوشانده حاصل از برگ درخت برای برطرف کردن اسهال و دل درد (درد ناشی از کرم کدو)، لاغر شدن، کاهش فشار خون و دیابت بهره می‌بردند. از سویی دیگر، برگ و پوست سبز گردو را می‌کوبیدند و آن را به صورت پماد بر روی مفاصل (کاهش درد ناشی از روماتیسم)، انگشتان دست و پا (کاهش درد ناشی از نقرس) و زخم‌های پوستی (بهبود جراحات و عفونت‌های پوستی) قرار می‌دادند. علاوه بر این، پودر پوست سبز گردو را با حنا مخلوط کرده و برای از بین بردن شوره و تقویت مو، بر سر خود می‌مالیدند (در حال حاضر نیز از این شیوه استفاده می‌شود). از مغز گردو به همراه انجیر خشک شده به عنوان تنقلات استفاده می‌کنند و برای تهیه غذای لذیذ محلی «خورشتِ فسنجان» نیز استفاده می‌شود (۹). امروزه مشخص شده است که برگ گردو سرشار از ترکیب ارزشمند تانن، اسید چرب امگا ۳، آنتی‌اکسیدان، فیبر، ویتامین ای و انواع پروتئین‌ها است و در طب سنتی خواص درمانی فراوانی دارد (۳۶).

این، از شیرآبه حاصل از برگ و پوست این درخت به صورت مرهم بر روی زخم‌های ناشی از بیماری جذام (برای ضدعفونی کردن) و رفع‌کننده دردهای روماتیسمی (آغستن مفاصل به شیرآبه) استفاده می‌کردند (۹). امروزه مشخص شده است که میوه این درخت بسیار سمی است و حاوی ترکیباتی نظیر آلکالوئید آزاریدین، باکایانین، تانن، بنزوئیک اسید و مارگوزین (عامل تلخ بودن) می‌باشد. همچنین، از تجزیه ترکیبات شیمیایی موجود در پوست این درخت به ترکیبات شیمیایی وانیلیک اسید و کاتچین (با خاصیت کرم‌کشی و ضد انگل) دست یافتند که اثرات درمانی رفع‌کنندگی دل درد و دل پیچه را تأیید می‌کند (۳۴).

۵-۲-۸. تمشک وحشی (Raspberry) ۲۹

در گویش محلی به آن «سُونُو» می‌گویند در روستای آبکنار در حاشیه باغ‌ها و مزارع برنج (در مکان‌های مرطوب) به صورت خودرو و وحشی رشد می‌کند. میوه این درختچه خاردار (همان تمشک) در سه نوبت خرداد ماه، اواخر مرداد ماه و اواخر مهرماه به بار می‌نشیند. این میوه منبع درآمد خوبی برای ساکنین این روستا از گذشته تا به امروز بوده است چرا که چیدن آن به واسطه خارهای درختچه‌اش، کاری سخت و نیازمند صبر و حوصله است. لذا روستاییان با چیدن آن و عرضه به بازارهای محلی و یا شهری درآمد خوبی را کسب می‌کنند. میوه تمشک پس از رسیدن از رنگ قرمز به رنگ سیاه تغییر می‌کند و سرشار از آنتی‌اکسیدان و ویتامین کا است و به همین دلیل خاصیت ضدسرطان بودن آن در طب سنتی تأیید شده است. علاوه بر این، تمشک سرشار از آهن، ویتامین ث، فلاونوئیدها، اسکوربیک اسید، مالئیک اسید و سیتریک اسید (علت اصلی ترش مزه بودن تمشک) می‌باشد (۳۵). ساکنین روستای آبکنار اغلب از تمشک برای تهیه مربا بهره می‌برند و بر این باورند که مصرف این میوه به صورت

۲۰ با نام علمی Juglans regia درختی از راسته راش‌سانان می‌باشد با ارتفاعی حداکثر ۳۰ متر و میوه‌ای به نام گردو که به صورت خام مصرف می‌شود (۱۹).

۲۹ با نام علمی Rubus fruticosus نام میوه درختچه‌ای وحشی از راسته گل سرخیان است (۱۹).

۵-۲-۱۰. زالزالک وحشی (Hawthorn)^{۳۱}

در گویش محلی به آن «سیاکوتی» می‌گویند. اغلب در استان گیلان در حاشیه جاده‌ها، بیشه‌زارها و کنار باغ‌ها می‌روید و میوه آن سیاه رنگ و غیرسمی است. ساکنین این روستا از دمنوش میوه و جوانه‌های سیاکوتی برای تقویت قلب، کاهش فشار خون و رفع بی‌خوابی استفاده می‌کردند. آنها باور داشتند که این دمنوش «احساس آرامش و شادی بخشی» را برای شخص به وجود می‌آورد. یکی از موارد استفاده جالب روستاییان از سیاکوتی، مخلوط کردن میوه رسیده این درخت با سقز و جویدن آن بود (آدامس طبیعی) و معتقد بودند استرس و اضطراب شخص را کاهش می‌دهد (۹). امروزه طب سنتی این باور ساکنین روستای آبکنار را تأیید می‌کند چرا که سیاکوتی حاوی ترکیبات گلوکوزیدی فلاونی، آنتی‌اکسیدان و فیبر است که باعث تنظیم گردش خون (احساس آرامش و کاهش اضطراب) و تصلب شرایین (کاهش فشار خون و تپش قلب) می‌شود (۳۷). در حال حاضر نیز از دمنوش میوه این گیاه استفاده می‌شود.

۵-۲-۱۱. شمشاد جنگلی (Billey)^{۳۲}

یا کیش (در گویش محلی) در حاشیه جاده‌ها، بیشه‌زارها و مناطق جنگلی به صورت خودرو رشد می‌کند. ساکنین روستا علاوه بر استفاده از چوب این درخت (برای ساخت خانه)، پوست و برگ آن را دم کرده و برای رفع بیماری مالاریا به بیمار می‌خوراندند. از سویی دیگر، برگ‌های این درخت را کوبیده به فرم خمیر درآورده و برای درمان کچلی به صورت پماد بر سر می‌مالیدند (۹).

۵-۲-۱۲. مازوج (Aleppo oak)

همان میوه درخت بلوط جنگلی است. این درخت ارزشمند در جنگل‌های شمال ایران رشد می‌کند. ساکنین آبکنار از چوب این درخت که بسیار سخت و محکم است برای ساخت بشکه، آرابه و درب و پنجره خانه‌های خود استفاده می‌کردند. علاوه بر این، میوه این درخت (پس از رسیدن به رنگ قهوه‌ای در می‌آید) را می‌سابیدند تا به صورت پودر درآید و از آن برای درمان «شب ادراری کودکان» استفاده می‌کردند (۹). هنوز هم از چوب این درخت در روستای آبکنار فراوان استفاده می‌شود.

۵-۳-۱. شیوه‌های درمانی مبتنی بر تالاب بندرانزلی

۵-۳-۱. گندِ واش (Gandvash)^{۳۳}

به معنی «علف با بوی بد» است که در جاهای مرطوب و کنار تالاب بندرانزلی به وفور می‌روید. این علف دارای برگ‌هایی با بوی بسیار بد است و ساکنین روستای آبکنار مقداری از این گیاه را بالای درب ورودی منزل یا در ایوان خانه می‌بستند تا از ورود حشرات موزی و مزاحم (نظیر مگس و پشه) به داخل اتاق جلوگیری کند. از سویی دیگر، برای جلوگیری از بیدردگی و یا گزند حشرات مقداری از برگ این گیاه را لابلای لباس‌های خود قرار می‌دادند. علاوه بر آن، این گیاه خاصیت درمانی نیز دارد و در گذشته برگ‌های آن را می‌سابیدند و با کمی زیره مخلوط کرده و برای تقویت معده به صورت دمنوش به کودکان می‌خوراندند تا دل درد آنها برطرف شود (۹). همچنین، برای درمان «موخوره» نیز از جوشانده برگ‌های این گیاه برای شستشوی موها استفاده می‌کردند. امروزه به خواص دارویی فراوان این گیاه پی برده‌اند که از مهمترین آنها می‌توان به دافع کرم روده بودن، خاصیت ضد میکروبی، تقویت کننده معده و روده، افزایش گردش خون، ضد عفونی کنندگی... اشاره نمود (۳۹).

^{۳۱} با نام علمی Crataegus melanocarpa درختچه‌ای از خانواده گل‌سرخیان و خاردار است که میوه‌هایش بسته به گونه درخت سرخ‌رنگ، زرد رنگ و سیاه رنگ هستند (۱۹).

^{۳۲} با نام علمی Buxus hyrcana Pojark درخت یا درختچه‌ای زینتی با برگ‌های همیشه سبز در مناطق جلگه‌ای شمال ایران می‌روید (۳۸).

^{۳۳} با نام علمی Artemisia absinthium گیاهی علفی، یکساله و با ارتفاع ۸۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر از راسته کاسنی‌ها است (۳۹).

۵-۳-۲. کوفِ واشْ (Kofevash)^{۳۴}

یا عَنَبَرَكْ واشْ در استان گیلان در نواحی مرطوب، کنار نه‌رها و جویبارها می‌روید. در روستای آبکنار در ساحل تالاب بندرانزلی به صورت علف هرز رشد می‌کند. ساکنین روستا به خواص دارویی و درمانی آن پی برده بودند. از شیر این گیاه برای از بین بردن میخچه پا، زگیل و بیماری پوستی سودا استفاده می‌کردند. علاوه بر این، با قرار دادن شیر حاصل از ریشه گیاه به صورت خالص یا مخلوط با آب بر روی زخم‌های چرکین، بهبودی حاصل می‌شد. همچنین، ساکنین روستا اعتقاد داشتند که با مالیدن شیر این گیاه به ناخن‌ها، سفیدی ناخن‌ها برطرف می‌شود. ساکنین روستای آبکنار از دم کرده این گیاه برای رفع تشنج نیز استفاده می‌کردند (۹). امروزه مشخص شده است که این گیاه حاوی ترکیبات آلکالوئیدی است که علت اصلی سمیت شیر آن می‌باشد. علاوه بر این، این گیاه حاوی ترکیبات رزینی، پکتینی، رنگدانه‌ها، اسیدهای آلی، املاح معدنی (نظیر کلسیم، منیزیم و آمونیوم) و ترکیبات فسفات‌هاست. از سویی دیگر، طب سنتی نیز به خواص درمانی این گیاه نظیر پالایندگی، دافع اختلالات مربوط به تشنج، برطرف نمودن سفیدی ناخن، از بین بردن زخم‌های چرکین... اشاره کرده است (۴۰).

۵-۳-۳. لاله مردابی (Lagoon tulipy)^{۳۵}

علاوه بر زیبایی خاصی که به تالاب انزلی می‌بخشد برای ساکنین روستای آبکنار در اواخر مردادماه نوید امکان تناول دانه‌های خوشمزه‌ای به نام «باقالی مردابی» را نیز می‌دهد. دانه‌های سبز رنگ درون گلپوش‌های این گیاه در حالت سبز و نارس بسیار خوشمزه و لذیذ است. اما پس از رسیدن به رنگ

قهوه‌ای درآمد و سفت و غیرقابل خوردن می‌شوند. علاوه بر این، ماهیگیران روستای آبکنار برای جلوگیری از گرمزدگی و تعرق زیاد، برگ‌های پهن این گیاه را به عنوان چتر یا محافظ بر روی سر خود قرار می‌دهند تا از گزند نور شدید خورشید در امان باشند (۹). «باقالی مردابی» همچنان از جاذبه‌های خوراکی بی‌نظیر روستای آبکنار به دلیل همجواری با تالاب انزلی است و هر ساله گردشگران زیادی را به سوی خود جلب می‌کند.

۵-۳-۴. نیلوفر آبی (Lotus)^{۳۶}

که در گویش محلی گیلان «سَلِ گول»^{۳۷} نامیده می‌شود و اغلب در برکه‌ها، باتلاق‌ها و تالاب‌های استان گیلان به صورت شناور در سطح آب رشد می‌کند. اهمیت این گیاه به زیبایی برگ‌های بزرگ و سبز رنگ (دارای خاصیت روغنی است) با گل‌های درشت سفید یا زرد رنگش می‌باشد. از آنجایی که قورباغه‌ها برای استراحت بر روی این برگ‌های شناور می‌نشینند به «گلِ تختِ قورباغه» هم مشهور است. ساکنین روستای آبکنار، آب حاصل از جوشانده این گیاه را با آب گرم مخلوط کرده و برای برطرف نمودن دل درد و اسهال خونی از آن استفاده می‌کردند (۹). در حال حاضر، مشاهده نیلوفر آبی تالاب انزلی از مهمترین جاذبه‌های توریستی این ناحیه محسوب می‌شود.

۵-۳-۵. رسوبات (یا گل و لای) قعر تالاب

که بسیار خنک می‌باشد و ساکنین روستا از آن برای برطرف نمودن «سردرد» ناشی از گرمزدگی و یا خونریزی بینی (خون دماغ شدن) استفاده می‌کردند. بدین صورت که کمی از این رسوبات را درون پارچه نازکی قرار داده و آن را بر روی پیشانی فرد بیمار قرار می‌دادند و بهبودی حاصل می‌شد. نکته جالب

^{۳۴} یا مامیران بزرگ با نام علمی *Chelidonium majus* گیاهی علفی و هرز است با ارتفاع حداکثر ۹۰ سانتیمتر و از تیره خشخاشیان می‌باشد. این گیاه دارای گل‌های زرد رنگ و چتری شکل در انتهای ساقه گیاه و دارای شیرابه‌ای سمی و خطرناک است (۱۹).

^{۳۵} با نام علمی *Nelumbium caspicum* گیاهی آبی از خانواده نَعلِه باقلا با ساقه‌های زیرزمینی غوطه‌ور و برگ‌های سپری شکل بزرگ و شناور (قطر ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر) است (۱۹).

^{۳۶} با نام علمی *Nymphaea alba* گیاهی آبی و دائمی است از تیره نیلوفر آبی - سانان با برگ‌های بزرگ قلبی شکل و شناور در سطح آب که گل‌هایش به رنگ - های زرد و سفید می‌باشد (۱۹).

^{۳۷} در گویش گیلکی یعنی گلِ استخری، سَلُ به معنی استخر (یا آبگیر) و گول به مفهوم گل است.

برای چندین ماه (از فصل زمستان تا فصل بهار) نگهداری می‌کردند. علاوه بر این، ساکنین روستا برای برطرف نمودن چین و چروک، ترک پا و نرم نگه داشتن پوست خود از چربی مرغابی در سرمای فصل زمستان بهره می‌بردند (کرم طبیعی) (۹). در حال حاضر، خرید و فروش مرغابی در بازارهای محلی این ناحیه به دلیل ارزش غذایی بالای آن ادامه دارد.

۵-۴-۲. چَنگَر (Coots)

از پرندگان بومی تالاب انزلی است که به دلیل چربی فراوانی که در پوست و گوشت بدنش وجود دارد از دیرباز تاکنون برای ساکنین روستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روستاییان علاوه بر مصرف گوشت این پرنده در غذاهای خود که بسیار لذیذ هم است، از چربی بدنش به صورت مرهم برای برطرف نمودن دردهای عضلانی و روماتیسمی استفاده می‌کردند. این چربی آنقدر زیاد است که به هنگام پخت گوشت این پرنده آن را جدا کرده و برای لذیذتر شدن طعم برنج به آن اضافه می‌کردند. امروزه نیز چنگر در بازارهای محلی استان گیلان به دلیل گوشت لذیذش خرید و فروش می‌شود (۹).

۵-۴-۳. بوتیمار (Bittern)^{۳۸}

یا غم خُورک که در گویش محلی آن را «لوله گُورگ» به مفهوم گُرگ نیز می‌نامند از پرندگان بومی نیزاهای تالاب انزلی است. ساکنین روستا از چربی حاصل از پوست و گوشت این پرنده برای برطرف نمودن دردهای عضلانی و بیماری روماتیسم استفاده می‌کردند. به این ترتیب، که چربی حاصل از بدن این پرنده را به صورت مرهم بر نواحی عضلانی و مفاصل خود می‌مالیدند که در کاهش درد بسیار موثر بود (۹).

۵-۴-۴. گُورُو (Goroo)

نام محلی نوعی خارپشت (یا جوجه تیغی) است که اغلب در باغ‌ها و مزارع روستای آبکنار ساکن است و از محصولات

آنست که در حال حاضر نیز صیادانی که به این تالاب می‌روند برای درمان سردرد ناشی از گرمزدگی از رسوبات قعر تالاب استفاده کرده و آن را بر پیشانی خود قرار می‌دهند. علاوه بر این، ساکنین روستا معتقد بودند که با قرار دادن رسوبات قعر مرداب بر صورت و پیشانی خود «احساس تسکین و آرامش» بر آنها غالب می‌شود (۹). پر واضح است که خواص درمانی این رسوبات به ترکیبات شیمیایی موجود در آن مربوط می‌شود که پس از مطالعات علمی که توسط یک گروه تحقیقاتی (از دانشگاه صنعتی شریف) انجام شد (۱۲)، مشخص گردید که مهمترین ترکیبات موجود در رسوبات تالاب انزلی عبارتند از: اکسید تیتانیوم (۱۲٪)، اکسیدهای سیلیسیم و آلومینیوم (۵۰٪) و اکسیدهای منیزیم و کلسیم (حدوداً ۲۰٪). امروزه گفته می‌شود که عنصر فلزی تیتانیوم به «ثابت ماندن جریان انرژی در بدن» کمک می‌کند و این باور به حدی قویست که اغلب بازیکنان لیگ حرفه‌ای بسکتبال گردنبندهایی با پوشش تیتانیومی بر گردن می‌نهند. از سویی دیگر، ادعا شده است که فلز تیتانیوم می‌تواند از بروز برخی بیماری‌ها جلوگیری کرده و یا به درمان آنها کمک کند (۴۱). از آنجایی که از این عنصر سبک و با مقاومت بالا در ساخت مفاصل مصنوعی، پیچ‌ها، میله‌ها و اتصالات ارتوپدی استفاده می‌شود که در ضمن با سیستم ایمنی و حیاتی بدن انسان سازگار است، این فرضیه تا حدودی می‌تواند تقویت شود (۴۱). البته برای دستیابی به نتایج علمی دقیق همواره نیازمند به آزمایشات دقیق‌تری نیز هست.

۵-۴. شیوه‌های درمانی مبتنی بر پرندگان و حیوانات محلی

۵-۴-۱. مُرغابی (Birles)

یا اُردک دریایی از پرندگان بومی تالاب انزلی است که دارای گوشت لذیذ و چربی فراوانی است. در استان گیلان از این پرنده برای پخت غذای محلی خورشِ فسنجان استفاده می‌شود. ساکنین روستای آبکنار بعد از سرخ کردن گوشت این پرنده آن را در روغن حاصل از پوستش (به صورت قیমে شده)

^{۳۸} با نام علمی Botaurus stellaris یا حواصیل خجالتی که به سرعت خود را در نیزاهای تالاب پنهان می‌کند (۴۲).

جلوگیری از سکنه قلبی) وجود دارد (۴۴). هنوز هم از شیوه زالودرمانی توسط روستاییان استفاده می‌شود.

۵-۵. شیوه‌های درمانی مبتنی بر دریای مازندران

از آنجایی که روستای آبکنار در نزدیکی شهرستان بندرانزلی واقع است، ساکنین این روستا در گذشته هر ساله مراسمی تحت عنوان «پَنجَک» را برگزار می‌کردند و تن به آب دریا می‌سپردند. آنها معتقد بودند که پنج روز مانده به پایان خرداد ماه (یا پنج روز مانده به شروع تیرماه) زمان بسیار مناسبی برای شنا کردن در آب دریای مازندران برای «زدودن امراض از بدن و کسب آرامش» است. بنابراین، هر ساله در این پنج روز به سواحل دریا رفته با شنا در آب دریا و یا آغشتن پوست بدن با ماسه‌های ساحل، معتقد بودند که دردهای مفاصل (دردهای روماتیسمی)، عضلانی و امراض پوستی (لکه‌های پوستی، زخم‌های کهنه، اگزما و خارش) بهبود می‌یابد (۹). علت اینکه روستاییان این پنج روز را برای شنا کردن در آب دریا (بطور تجربی) مناسب می‌دیدند، احتمالا می‌توان به مساعد بودن میزان رطوبت، دمای هوا، وزش باد، میزان املاح معدنی و درجه حرارت آب دریا مربوط دانست که نیاز به مطالعات علمی دقیق‌تری است. اما امروزه تأثیر درمانی شگرف آب دریا بر بدن انسان آنقدر انکارناپذیر است که علمی به نام «دریا درمانی» پدید آمده است. شنا کردن در آب دریا به دلیل معلق بودن بدن در آب و کاهش فشار بر مفاصل، جنبه هیدروتراپی داشته و بر کاهش دردهای روماتیسمی بسیار موثر است. علاوه بر این، آب دریا سرشار از نمک کلرید سدیم (مسبب باز شدن منافذ پوستی و خروج سموم از بدن) و املاح معدنی نظیر سدیم (ضد عفونی کردن زخم‌ها و جراحات پوستی)، پتاسیم (ویژگی پالایندگی به دلیل خصلت قلیایی بالا)، منیزیم (خاصیت مرطوب‌کنندگی پوست) و کلسیم (مسبب تقویت مفاصل) است که از طریف پوست بدن جذب می‌شوند و تأثیر انکارناپذیری بر درمان امراض پوستی دارند. از سویی دیگر، آب دریا با تسریع در گردش خون و ترمیم سلول‌های پوستی روند بهبود امراض را سرعت می‌بخشد. همچنین، خاصیت

کشاورزی و صیفی جات تغذیه می‌کند. روستاییان از چربی بدن این خارپشت برای برطرف نمودن دردهای روماتیسمی استفاده می‌کردند (۹).

۵-۴-۵. مَنگِه یا مَنگِی (Mange)

نام محلی نوعی گورکن از خانواده راسویبان است که معمولا در جنگل‌ها و مزارع روستای آبکنار سکنی دارد. ساکنین روستای آبکنار از چربی بدن آن برای برطرف نمودن درد مفاصل، گرفتگی عضلات و دردهای روماتیسمی به صورت مرهم استفاده می‌کردند (۹).

۵-۴-۶. زالو (Leech)

در نیزارهای تالاب انزلی به وفور یافت می‌شود. ساکنین روستای آبکنار معتقد بودند که به کارگیری شیوه «زالودرمانی» برای برطرف نمودن بیماری‌هایی نظیر سردرد، دردهای ناشی از فشارخون، کمردرد، درد مفاصل و بیماری‌های ناشی از عفونت‌های خونی در بدن انسان موثر است (نوعی حجامت کردن). به کارگیری این شیوه توسط روستاییان دو مرتبه در سال در فصل‌های بهار و پاییز اتفاق می‌افتاد. آنها زالو را بر سر، پیشانی، دست و پا و پشت خود قرار می‌دادند تا با خروج خون از بدن از بند برخی بیماری‌ها رهایی یابند. از سویی دیگر، ساکنین روستا از زالوها به شیوه دیگری هم برای درمان بهره می‌بردند. آنها پس از شکار زالوها از نواحی مرطوب حاشیه مزارع برنج یا تالاب انزلی، آنها را زیر نور خورشید خشک کرده و به صورت پودر در می‌آوردند و سپس بر روی زخم‌های کهنه و دمل‌های چرکی می‌ریختند که باعث بهبود زخم و خروج عفونت و چرکی از ناحیه پوستی می‌شد (۹). این در حالی است که شیوه زالودرمانی در طب سنتی توسط حکیم ابن سینا نیز تأیید شده است (۴۳). امروزه می‌دانیم که در بزاغ زالو ترکیبات ارزشمندی نظیر هیرودین (ماده ضد انعقاد خون و مسبب رقیق شدن آن)، هیالورونیداز (نقش آنتی‌بیوتیک) و لیپاز (تجزیه‌کننده چربی عروق و

مفاهیم را دارد تا جایی که در قرآن، بهشت با نهرهایی جاری در زیر درختان توصیف شده^{۳۹} و یا از درخت طوبی به عنوان درختی مقدس در بهشت یاد می‌گردد.^{۴۰}

بر این اساس، ساکنین روستای آبکنار نیز به واسطه فراوانی «عنصرِ درخت» در اقلیم جغرافیایی خود، آنجا که دیگر راهی برای درمان بیماری خود یا عزیزانشان نمی‌یافتند به سراغ جوهرِ نهانی نهفته در درخت بازگشته و آیین سنتی زنانه «شفاخوازی یا شفاخواهی» را برگزار می‌کردند. این آیین عموماً به منظور بهبود بیماری‌های صعب‌العلاج و یا نازایی در زیر درخت سق‌دار (یا درخت آزاد) با گسترانیدن خوان آیینی متشکل از غذاهای خاص (پختن برنج نذری، حلواي برنج، آش محلی...)، افروختن شمع، بستن شال یا پارچه سبز به تنه درخت و با راز و نیاز به درگاه خداوند همراه بوده است (۹). لازم به ذکر است که «شفای آیینی» خاص مردم گیلان نمی‌باشد و این آیین سنتی در اغلب نقاط مختلف ایران برگزار می‌گردید (۴۸). از سویی دیگر، برخی از ساکنین که با هیچ یک از روش‌های سنتی درمان به علاج بیمار خود دست نمی‌یافتند، نهایتاً به سراغ شیوه «دعادرمانی» و دعانویسان می‌رفتند و به استخاره گرفتن، نوشتن دعاها و چشم زخم، خوردن دعاها و شسته در آب و نوشتن دعاها و ذکرها (برای در امان ماندن از چنگ بیماری‌ها و یا بهبود بیماری) متوسل می‌شدند. البته رجوع به شیوه‌های درمانی مبتنی بر دعا و اذکار اغلب در طب دوران قاجار مرسوم بوده است (۴۹).

۶. نتیجه‌گیری

در گذشته وضعیت سلامت مردم ایران در شهرها و روستاهای نواحی مختلف در شرایط نامساعدی قرار داشت. وضعیت نابسامان بهداشت عمومی جامعه ناشی از عواملی همچون: عدم

ضداًلژیک بودن آب دریا به دلیل پالایندگی مجرای بینی از گرده‌های محرک، قطعی است. لذت نگرستن به امواج دریا و قدم زدن در ساحل در کنار حجم بالای اکسیژن موجود در محیط باعث کاهش استرس و آرامش روح و روان انسان نیز می‌شود (۴۵). در حال حاضر شیوه دریادمانی توسط ساکنین روستای آبکنار به وفور استفاده می‌شود.

۵-۶. شیوه درمانی مبتنی بر دعا و باورهای ساکنین روستای آبکنار

انسان همواره در تقابل با ناشناخته‌های فراوان طبیعت و ادامه حیات خود چاره‌ای جز مقابله با آنها و از میان برداشتنشان نداشته است. از این رو، در اغلب موارد در مسیر پر پیچ و خم مبارزه برای ادامه حیات با تکیه بر اندیشه ناپخته و ابتدایی خود، به کارها و امور شگفت‌آوری متوسل می‌شد تا جان او را از بلایا و خطرات طبیعی مصون بدارد. بدین صورت با گذر زمان، «باورها» که مجموعه‌ای از اندیشه‌های ساختگی، تعدیل یافته و نشأت گرفته از بطن و روح انسان در طول تاریخ حیات بشر هستند، شکل می‌گیرند. پس از آن، «آیین‌ها» با تکیه بر باورهای قومی و قبیله‌ای، اقلیم جغرافیایی، نوع معیشت... پدیدار می‌شوند که می‌توانند بازگوکننده قدمت، پیشینه تاریخی و هویت فرهنگی اقوام مختلف نیز باشند (۴۶). در میان آفرینش‌های طبیعت، «درختان و رستنی‌ها» همواره برای انسان از قدرت جادویی و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. چرا که آنها علاوه بر تأمین نیازهای اساسی انسان (از طریق برگ، ریشه و میوه، سایه...) راز و رمزهای فراوانی از طبیعت ناشناخته را برایش بازگو کردند. تشابه چرخه حیات درخت با هستی وجود انسانی، مقدمه‌ای بر ارتباط نزدیک انسان نخستین با درختان گردید تا جایی که درختان در باورهای بشری «صورتی مقدس، مسجود و معبود» به خود گرفتند. بر این اساس، ذات روحانی انسان به «جوهرِ نهانی نهفته» در درخت (و نه خود درخت) گرایش یافت و آن را مورد پرستش قرار داد (۴۷). علاوه بر این، درخت در دین اسلام به عنوان «نشان الهی» اغلب جنبه تمثیلی و رساندن

^{۳۹} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (همانا کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند برایشان بهشتهایی خواهد بود که نهرها از زیر آن جاریست و این رستگاری بزرگ است) (بروج: ۱۱)

^{۴۰} الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا بَدَأَ اللَّهُ لَهُمْ (کسانی که ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند، بهشت برین و درخت طوبی از آن آنهاست و بازگشتی نیک دارند) (رعد: ۲۹)

درمانگران محلی و مردمان این دیار به آن معتقدند که برای درمان هر بیماری اقلیم طبیعی آن منطقه راهگشاست.

۷. تشکر و قدردانی

نویسنده مسوول بر خود لازم می‌داند تا نهایت تشکر و قدردانی را از آقای محمد سلیم‌پور آبکنار بخاطر اطلاعات ارزشمند ارایه شده در مصاحبه‌های حضوری و تلفنی، تحقیق و پژوهش، جمع‌آوری اولیه اطلاعات و عکسبرداری از منابع مورد نیاز، داشته باشد.

۸. سهم نویسندگان

سامرا سلیم‌پور آبکنار: پژوهش و مطالعات اولیه، جستجوی منابع، نگارش نهایی مقاله.
محمد سلیم‌پور آبکنار: ایده اولیه مطالعه، پژوهش، نگارش اولیه و مصاحبه‌های حضوری.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافعی برای نویسندگان وجود ندارد. علاوه بر این، این مقاله و یا قسمتی از آن تاکنون در هیچ نشریه فارسی و یا انگلیسی زبان دیگری نمایه و یا چاپ نشده است.

آگاهی مردم، عدم پیشرفت علم، عدم داشتن سواد کافی، عدم توجه دولت به مسایل بهداشتی جامعه... بود که این امر مرگ و میر ناشی از شیوع انواع بیماری‌های جسمی و روحی را افزایش می‌داد. از گذشته، میل ذاتی انسان به ادامه حیات و دوری جستن از خطر ابتلا به انواع بیماری‌ها، اندیشه او را به مددجویی از عنصر طبیعت وا می‌داشت. از این رو، مردمان ایران قدیم نیز از این قاعده مستثنی نبودند و با پناه بردن به پوشش‌های گیاهی و جانوری ناحیه زندگی خود درصدد یافتن شیوه‌هایی برای بهبود و یا التیام موقتی امراض بودند. در این میان، ساکنین شمال ایران در استان گیلان (و بالاخص روستای آبکنار) با استمداد از طبیعت بکر و متنوع این منطقه روش‌های سنتی چون امزاج چهارگانه، بکارگیری داروهای گیاهی و غیرگیاهی حاصل از پوشش‌های گیاهی و جانوری، زالودرمانی، نبض گرفتن... را با آزمون و خطا تجربه می‌کردند. چه بسا که بسیاری از بیماران بر اثر بی‌تجربگی، بی‌دانشی و تجویزهای اشتباه درمان به شیوه سنتی جان خود را نیز از دست می‌دادند. با این وجود، به دلیل عدم پیشرفت طب مدرن بالاجبار پناه جستن به شیوه‌های درمان سنتی تنها گزینه انتخاب مردم این ناحیه در برابر امراض روحی و جسمی بود. اما با گذشت زمان، تجربیات حاصل از استمداد جویی از طبیعت افزایش و نسل به نسل انتقال یافت تا جایی که اغلب شیوه‌های سنتی درمانی که به آنها اشاره شد توسط درمانگران محلی، شکسته‌بندها، مادرزرگ‌ها و پدرزرگ‌ها در کنار طب مدرن هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. به باور مردم آبکنار در پس هر شیوه درمان سنتی متکی به اقلیم این ناحیه حکمت و دانشی ارزشمند نهفته است که اگر درست و به جا استفاده شود گهگاهی همان کاری را می‌کند که از داروهای شیمیایی انتظار می‌رود. صد البته که مردم فهیم و سختکوش این ناحیه با طب مدرن بیگانه نیستند و گاه که داروهای گیاهی افاقه نکرد به سراغ داروهای شیمیایی می‌روند. با این وجود، آنان به تلفیق دو شیوه درمانی سنتی و مدرن برای درمان بسیاری از امراض روی آورده‌اند. این باوریست که هنوز

References

1. Rahimi Mehr V. Investigating the Role of Climate Change in Locating and Construction of the Building from the Viewpoint of Traditional Medicine. *Medical History Journal*. 2021;13(46):1-21. (Persian).
2. Davenhall B. Geomedicine: Geography and Personal Health. California: Esri; 2021.
3. Hristakieva E. Climatotherapy in Dramatology: Why, How and When? *Trakia Journal of Sciences*. 2005;3(4):27-31.
4. Ghias M, Sharghi M, Taghdisi A. Medical Geography in Ibn Sina Medicine. *Traditional Medicine of Islam and Iran Journal*. 2012;3(1):71-7. (Persian).
5. Ghias M, Sharghi M. The Role of Climatic Parameters on Health and Mental Illness. *Traditional Medicine of Islam and Iran Journal*. 2018;9(1):13-23. (Persian).
6. Rabino HL. Gilan. Translated by Khomamizadeh, J. 6th ed. Rasht: Taati Publication; 2012. (Persian).
7. Shekoofe Abkenar F. Abkenar Over Time. Tehran: Sobhane Nour Publication; 2013. (Persian).
8. Available at: <https://www.amar.org.ir/>.
9. Interview with Mr. Mohammad Salimpour Abkenar on January 7, 2020 at 5:00 PM. Bandaranzali. Gilan.
10. Rezazadeh Shafaroudi M. Bandareanzali. Tehran: Cultural Research Office; 2007. (Persian).
11. Tavili A. Comprehensive History of Bandar Anzali. Tehran: Saheb Asar Publication; 1991. (Persian).
12. Exclusive: Titanium treasure hidden in Anzali wetland. Available at: <http://anzaliclub.ir>. Updated 10 April 2021. Accessed 27 February 2014.
13. Salehjoo G. Gilan Medicinal Plants (Traditional Gift). Rasht: Farhange Ilia Publication; 2006. (Persian).
14. Boshra M. Traditional Medicine of the Gilan's People. Rasht: Farhange Ilia Publication; 2010. (Persian).
15. Akbarzadeh A, Jaimand K, Hemmati A, Khanjani Shiraz B. Medical Plants of Gilan Province and Their Applications. *Iranian Journal of Medicinal and Aromatic Plants*. 2010;26(3):326-47. (Persian).
16. Ghadimi Jobani M, Ghavam M. Importance and Knowledge of Different Uses of Olives by People (Case Study: Joban Village of Gilan Province). *Journal of Traditional Medicine of Iran and Islam*. 2019;10(4):379-89. (Persian).
17. Panahi A, Rahmaninezhad F. The Effect of Folk Beliefs on the Spread of Diseases in Gilan during the Qajar Era. *Journal of Traditional Medicine of Iran and Islam*. 2012;11(2):183-94. (Persian).
18. Mirmiran SM, Masoodi M. Medical Anthropology and Folk Medicine (Case Study on Toothache Treatment in Talesh of Gilan Province). Paper presented at: National Conference on Taleshology; 2015; Rasht.
19. Tahoori SH. Encyclopedia of Medicinal Plants. 9th ed. Qom: Padide Danesh Publication; 2015. (Persian).
20. Keshavarz Hedaiati AK, Alami M, Motamedzadegan A, Maghsoodloo Y, Ghorbani M, Daraii Garmekhani A. Investigation of Chemical Composition and Physicochemical Properties of Iranian Rice Bran. *Journal of Food Science and Technology*. 2012;4(3):1-7. (Persian).
21. Zareei B, Seifi T, Movahedi R, Cheraghi J, Ebrahimi S. Antibacterial Effects of Khatami Alcoholic Extract, Bakhtiari Safflower, and Choir. *Babol University of Medical Sciences Journal*. 2013;16(1):31-7. (Persian).
22. Fakhar M, Montazeri M, Darabinia M, Sadat Banimostavafi E, Rafiei A. An Overview on Therapeutic Effects of Garlic and Onion in Traditional Medicine and Islamic Narrations. *Religion and Health Journal*. 2017;5(1):70-81. (Persian).
23. Shahani S, Zaker N, Hamzkanlu N, Hosseinimehr SJ. The Protective Effects of Cichorium intybus L. Seed Extract against Cell Toxicity Induced by Bleomycin on Human Non-malignant Fibroblast and Ovarian Cancer Cells. *Journal of Mazandaran University Medicine Science*. 2015;25(121):39-47. (Persian).
24. Naghdi Badi H, Soroushadeh A, Rezazadeh S, Sharifi M, Ghalavand A, Omid H. A Review of Borage (A Valuable Medicinal Plant Rich in Gamma Linolenic Acid). *Journal of Medicinal Plants*. 2007;6(24):1-16. (Persian).
25. Modaresi Chardehi A, Ebrahim D, Fariza Soleiman S, Abolhasani F. The Effect of Alcoholic eExtracts of Nettle (Urtica dioica L.) on Some Gram-negative and Gram-positive Bacteria. *Journal of Medicinal Plants*. 2012;11(2):98-104. (Persian).
26. Seif sahandi M, Mehrafarin A, Khalighi-Sigaroodi F, Sharifi M, Naghdi badi H. Review on Anatomical, Phytochemical and Pharmacological Properties of

- Peppermint (*Mentha pipertia* L.). *Journal of Medicinal Plants*. 2018;18(1):18-33. (Persian).
27. Ahmadian M, Mahdipour Moghadam MJ, Bakhshi D, Soudi N, editors. Evaluation of Antibacterial Effects of Gijavash and Chuchak Extracts on Bacteria with Multiple Drug Resistance. Paper presented at: 2nd National Conference on Medicinal Plants, Traditional Medicine and Organic Agriculture; 2015; Hamedan.
28. Mirkalantari S, Fateh K. The Effect of Plant Extracts of *Plantago major* and *Laurus nobilis* on the Antimicrobial Properties of some of Gram-positive and Gram-negative Bacteria. *Complementary Medicine Journal*. 2018;3(28):3433-43. (Persian).
29. Hosseini H. Introduction of the Position of New Medicinal Plants in Green Space Development. *Journal of Barij Research and Development*. 2017;13:13-7. (Persian).
30. Ghafoori F, Hosseini Ghaboos H. Physicochemical and Sensory Characteristics of Breakfast Cereals Blended with Pumpkin Powder. *Iranian Journal of Nutrition Sciences & Food Technology*. 2018;13(1):95-104. (Persian).
31. Sohrabvandi S, Oroognia P, Soleymani M, Koushki M. Evaluation some chemical and organoleptic properties of pear, apple and quince. *Iranian Journal of Nutrition Sciences & Food Technology*. 2013;7(5):176-85. (Persian).
32. Moosavy M-H, Shavisi N, Khatibi SA. Survey of nutritional and remedial properties of fig in islamic, traditional and modern medicine. *Clinical Excellence Journal*. 2016;5(2):1-16. (Persian).
33. Ayobnezhadghan Jeremi B, Hassanpour H. Evaluation of Compounds Containing Antioxidant Activity in Peel and Pulp of Medlar Fruit by Methanol and Acetone Extracts. *Food Industry Research Journal*. 2018;28(4):57-72. (Persian).
34. Pahlavan Yali M, Mohammadi Anaii M. Studying chemical compounds of *Melia azedarach* L. fruit and the insecticidal effect of extract & powder's on *Tribolium castaneum* Herbst (Col. Tenebrionidae). *Journal of Biosafety*. 2017;9(4):67-77. (Persian).
35. Sayad Zommodi M, Shirvani A. The study effect of *Rubus Fruticosus* extract on cutaneous wound healing in diabetic wistar rat. *Iranian Journal of Diabetes and Metabolism*. 2015;15(1):1-8. (Persian).
36. Akbari V, Heidari R, Jamei R, Asadi-Samani M. Determination of fatty acid compositions, and pellicle antioxidant properties of different Persian walnut genotypes. *Journal of Shahrekord University of Medical Sciences*. 2015;17(1):33-40. (Persian).
37. Salehi M, Kolvandi R. Phytochemical Study of Methanolic Extract of the Branch and Hawthorn Fruit. *Production of Crops Journal*. 2020;13(1):99-110. (Persian).
38. Habibi kilak S, Alavi S, Esmailzadeh O. Analyzing the response curves of box tree (*Buxus hyrcana* Pojark.) species in relation to environmental variables in Hyrcanian forests. *Journal of Forest Research and Development*. 2020;6(1):1-14. (Persian).
39. Chegini S, Ramezani M, Shahla S. The effect of artemisia absinthium hydroalcoholic extract on ovaries and pituitary-gonadal axis hormones in mice. *Journal of Ardabil University of Medical Sciences*. 2018;18(2):161-72. (Persian).
40. Haji Mohammad Ali R, Parsania M, Amin G. Comparison of Antiviral Effects of Methanol and Hexane Extracts of *Chelidonium Majus* L. Against Acyclovir Resistant Herpes Simplex Type 1. *Journal of Arak University of Medical Sciences*. 2018;21(3):42-52. (Persian).
41. Shokrolahi F, Aliasgari E, Mirzaie A. Cytotoxic Effects of Titanium Dioxide Nanoparticles on Colon Cancer Cell Line (HT29) and Analysis of Caspase-3 and 9 Gene Expression Using Real Time PCR and Flow Cytometry. *Iran South Medical Journal*. 2019;21(6):426-38. (Persian).
42. Mansouri J. Iran Birds Guide. Tehran: Farzaneh Publications; 2013. (Persian).
43. Ibn Sina H. The Canon of Medicine. Translated by Sharafkandi, A. Tehran: Soroush Publication; 2016. (Persian).
44. Siadati S, Dezfoolian A, Shariatzadeh A, Rahimi M. Leech Therapy in Traditional and Common Medicine. Ahvaz: Azad University Publication; 2007. (Persian).
45. Keshmiri R. Thalasso Therapy. *Iran South Medical Journal*. 2001;4:17-8. (Persian).
46. Jafari Ghonovati M. An Introduction to Iranian Folklore. Tehran: Gami Publication; 2018. (Persian).
47. Eliade M. Treatise on the History of Religions. Translated by Satari J. Tehran: Soroush Publication; 2015. (Persian).
48. Feyzi P, Rahimi B. Anthropological Study of Ritual Healing with an Emphasis on the Role of

“Healing by Prayer” in Kermanshah Province. *Medical History Journal*. 2011;3(6):97-113. (Persian).

49. Karimi Z, Rahnama S. Investigating the Role of Prayer and Recitation in Medicine and Medicine of Qajar Period. *Medical History Journal*. 2021;13(46):1-14. (Persian).



MHJ

Medical History Journal

Autumn 2021; 13(46): e28

<https://doi.org/10.22037/mhj.v13i46.34598>

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-mh>



ORIGINAL RESEARCH

History of Traditional Treatment Methods with Emphasis on the Role of "Geographical Climate" in Abkenar Village of Gilan Province

Samera Salimpour Abkenar^{1*} , Mohammad Salimpour Abkenar²

1. Assistant professor, National Arts Research Center, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.

2. Bachelor of Accounting, Management and Accounting Department, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 17 April 2021

Accepted: 9 October 2021

Published online: 25 October 2021

Keywords:

Traditional Treatment

Geographical Climate

Caspian Sea

Bandar-e-Anzali Wetland

Abkenar Village

* **Corresponding Author:** Samera Salimpour Abkenar

Address: National Arts Research Center, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.

Email: s.salimpour@richt.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The emergence of human diseases is directly related to climatic conditions, type of nutrition and plant-animal cover of each region. From the past to the present, traditional medicine has sought the achievements of the geographical climate of any region to treat common diseases. The purpose of this study is to review the history of traditional treatment methods based on the achievements of the geographical climate by local residents in Abkenar village of Gilan province.

Materials and Methods: This research in 2021 through library studies, local manuscripts and documents, direct observation of some methods, face-to-face and telephone interviews with: (1) local therapists and (2) elderly people (both men and women) has been done. The information and findings are discussed in a descriptive-analytical format.

Findings: It seems that the "geographical climate of Abkenar village" has played a very important role in the emergence of traditional treatment methods from the distant past to the present. Being located next to the Caspian Sea and Bandar Anzali wetland, having the blessing of the element "rice", unique vegetation of the region and the existence of some special species of birds has significantly increased the quality of traditional medicine in Abkenar village.

Ethical Considerations: Honesty and trustworthiness have been observed in reporting and publishing materials.

Conclusion: In the past, due to lack of progress in medical science and ignorance of the origin of diseases, the residents of Abkenar village had no choice but to "go to nature" to find a way to cure diseases. Hence, valuable experiences in the field of traditional treatment have been inherited from the past to the residents of Abkenar village. In addition to chemical drugs, the people of this village use traditional methods of treatment based on their geographical climate to cure common diseases in the region.

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Salimpour Abkenar S, Salimpour Abkenar M. History of Traditional Treatment Methods with Emphasis on the Role of "Geographical Climate" in Abkenar Village of Gilan Province. *Medical History Journal* 2021; 13(46): e28.